همسر آفتاب

ویژه وفات حضرت خدیجه (س)



مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

بسم الله الرحمن الرحیم

همسر آفتاب: ویژه وفات حضرت خدیجه (س)

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

همسر آفتاب: ویژه وفات حضرت خدیجه (س)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : همسر آفتاب: ویژه وفات حضرت خدیجه (س)/گروهی از نویسندگان ؛ تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: کتاب طه،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵ .

مشخصات ظاهری : ۷۳ ص .

فروست : با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ ۱

شابک : ۵۰۰۰ ریال:۹۶۴۷۰۱۹۶۵۳

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی

ص:۱

اشاره

پاییز ۱۳۸۵

مراکز پخش:

قم: خیابان حجتیه، انتهای کوچه ۲ ،

شماره ۵۸ تلفن و دورنویس: ۷۷۴۴۶۲۴

تهران: تلفن و دورنویس: ۱_۸۸۹۲۶۲۷۰

همسر آفتاب

گروهی از نویسندگان

نوبت اول: پاییز ۱۳۸۵

ناشر: کتاب طه تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما

صفحه آرایی: ناصر صفری

چاپ: شریعت شمارگان: ۳۰۰۰ جلد ۵۰۰۰ ریال

سخن ناشر

پیام آور بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله وسلم که سرآمد آفرینش خداوندی است، الگوی کامل انسان در زندگی فردی و اجتماعی و درس آموز همه فرزندان آدم است. وی چراغ هدایتی است که بر همه تاریخ بشر روشنایی بخشیده و با گفتار و کردار بی مثالش و نیز با سنت هایی که پایه گذارد، برنامه جامع سیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را ارائه داشت. ازاین رو جا دارد، در سالی که مزین با نام مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلماست، به سیره و سخن آن بزرگوار توجهی بیش از گذشته شود و روایت هایی نو از آن عرضه گردد.

همکاری مؤسسات مختلف در این عرصه می تواند خود مصداقی از آن چیزی باشد که در سیره پیامبر بزرگ اسلام بر آن تأکید شده و آن همدلی و همراهی و همکاری مؤمنان با یکدیگر است. ازاین رو، مرکز

پژوهش های اسلامی صداوسیما و مؤسسه فرهنگی طه، انتشار سلسله کتاب های با پیامبر را در دستور کار خود قرار دادند.

همسر بزرگوار پیامبر اسلام، حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام الگویی تابناک از همراهی و همدلی و هم داستانی با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. وی با نفی باورها و بینش های نادرست جاهلیت، در مسیر سلوک معنوی و انسانی و بندگی حضرت حق تا آنجا پیش رفت که توانست رکنی از ارکان پیشرفت اسلام شودو تا آخر عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره در یاد و خاطر ایشان بماند. از خداوند متعال دوام توفیق نویسندگان محترم را خواهانیم.

مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیمامؤسسه فرهنگی طه

پیش گفتار

الگوها، بسترهای مناسبی را برای رشـد و بالنـدگی یا تنزل و فروپاشـی فرد و جامعه فراهم می کننـد. جوامع غربی با اسـتفاده از این قاعـده، بـا معرفی الگوهـای خود برای زنـان جهان و به ویژه زنان مسـلمان، می کوشـند آنان را به سوی اهـداف شوم خود هـدایت کنند و جهت دهند. غرب با به دست گرفتن روح و فکر زنان می خواهد زنان دیگر جوامع هویت خود را رها سازند و هویت جدیدی را پذیرا شوند. که نتیجه، وابسـتگی کامل است. بر نهادهای فرهنگی واجب است که به معرفی الگوهای اصـیل دینی و ملی اهمیت دهند و فضای فرهنگی کشور را جولانگاه غرب زدگان قرار ندهند.

از جمله زنان بافضـیلتی که شایسـتگی تأسی و اقتدا دارد، حضرت خدیجه کبرا علیهاالسلام، همسر گرامی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. ایشـان از زنـان بهشتی است که روایـات فراوانی از پیامبر و معصومین علیهم السـلام درباره فضایل و سـجایای اخلاقی ایشان وارد شده است.

حضـرت خدیجه کبرا علیهاالسـلام با نگاهی فراتر از نگاه های آن عصر به استقبال پیامبر رفت و نه تنها مال و اعتبار، بلکه روح و جان خود را در راه

مصالح ایشان و مکتب او هزینه کرد و رضوان الهی و سعادت اُخروی را برای خود خرید.

بی شک، زنان مسلمان با پیروی از خدیجه کبرا علیهاالسلام و دختر اطهرش، فاطمه زهرا علیهاالسلام، در خانه و اجتماع می توانند به قلّه های حقیقی کمال و تعالی برسند و راه را بر راهزنان فرهنگی ببندند و پایه گذار خانه های سبز باشند.

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما

فصل اول: خدیجه علیهاالسلام در تاریخ

اشاره

فصل اول: خدیجه علیهاالسلام در تاریخ

زیر فصل ها

رویش ستاره

رویش ستاره

حضرت خدیجه علیهاالسلام ۶۸ سال پیش از هجرت پیامبر در مکه، چشم به جهان گشود. وی در خانواده ای بزرگ و ارجمند متولد شد و نیکو پرورش یافت. پدرش، خُوَیْلِد بنِ اَسَدِ بْنِ عَبْدُالعُزّی نام داشت و مادرش، فاطمه دختر زائِدَهِ بْنِ اَصَمْ بود. جدّ بزرگ آن دو فَهْر نام داشت و از قبیله قریش بودند. لقبش «طاهره» بود، دو پسر به نام های قاسم و عبدالله(۱) و چهار دختر به نام های زینب، ام کلثوم، فاطمه و رقیه داشت.

بنابه روایتی، پدر وی پیش از جنگ های فجّار کشته شد و خدیجه علیهاالسلام را در دنیای پُرآشوب آن روزگار تنها گذاشت. از سرنوشت خدیجه علیهاالسلام و زندگانی وی تا پیش از سنین میان سالی آگاهی دقیقی در دست نیست. شاید پانزده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت که شاهد هجوم سپاه ابرهه به خانه خدا بود. زمان لشکرکشی ابرهه که به «عام الفیل» معروف گشت، سال تولد محمد صلی الله علیه و آله و مبدأ تاریخ پیش از ظهور اسلام بود.(۲)

۱- عبدالله را «طیب» و «طاهر» نیز می گفته اند که بعضی معتقدند دلیل آن، این بوده که او پس از نبوت پیامبر گرامی و در عصر بعثت به دنیا آمده است. بحارالانوار، ج ۲۲، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۲- ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۵.

خـدیجه علیهاالسـلام، نخستین بـانویی است که دعوت محمـد صـلی الله علیه و آله به آیین اسـلام را لبیـک گفت. او تا آخرین لحظه در کنار رسول خدا صـلی الله علیه و آله ماند و از حمایت همسـرش دست برنداشت. خدیجه علیهاالسـلام یکی از بزرگ ترین حامیان دین اسـلام بود. رسول خدا صـلی الله علیه و آلهدر این باره می فرمود: «اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه علیهاالسلام برپا نشد».(۱)

خدیجه علیهاالسلام در دوران جاهلیت

خدیجه علیهاالسلام در دوران جاهلیت

بنا بر اشاره متون تاریخی، خدیجه علیهاالسلام در دوران جوانی با تشکیل کاروان های تجاری به کسب درآمد پرداخت. وی با مـدیریت و درایتی قوی و به دور از رسم تاجران زمانه که رباخواری را از اصول اولیه کسب ثروت قرار داده بودنـد، به تجارت مضاربه ای روی آورده بود.

برخی پژوهشـگران بر این باورنـد که خـدیجه علیهاالسـلام پیش از پرداختن به تجارت، ابتدا با عَتیقِ بن عائِذ مَخْزُومی و پس از مرگ وی، با اَبُوهالَهِ بْنِ مُنْذِراَسَدی ازدواج کرده است.(۲) اگر صحّت این ازدواج ها را بپذیریم، ممکن است بخشی از دارایی اولیه خـدیجه علیهاالسـلام از طریق میراث شوهرانش به وی رسـیده باشد. با این حال، نمی توان تدبیر و مدیریت تجاری وی را منکر شد. تاریخ نگاران بارها از او با عنوان هایی همچون: «اِمْرأةٌ حازِمَةٌ

۱- علی محمدعلی، دخیل، اعلام النساء، دارالمرتضی، بی جا، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲- در جلـد بیست و دوم بحارالأنوار درباره زنان پیامبر از «احمـد بلاذری» و «ابوالقاسم کوفی» روایت شـده است که خـدیجه علیهاالسلام در حالی که دوشیزه بود، به ازدواج پیامبر درآمد.

لَبیبه»؛ یعنی بانوی دوراندیش و خردمند یا «اِمْرَاَهٌ عاقِله»؛ یعنی بانوی عاقل یاد کرده اند.(۱)

هرچند مبارزه خدیجه علیهاالسلام با تجارت ربایی، خود مقوله ای مهم است، ولی تابناک ترین صفحه زندگی او مربوط به زمانی است که با وجود زیبایی ظاهر و برخورداری از تمام ویژگی های عالی زنانه، هرگز در جامعه فاسد آن روزگار، خود را نباخت و به درجه ای از کمال و پاکی رسید که وی را «طاهره» لقب دادند.(۲)

خدیجه علیهاالسلام یکی از ثروتمندان مکه بود، ولی هرگز از یاری فقیران روی برنمی گرداند و خانه اش همواره کعبه آمال مردم بی نوا و پناه گاه نیازمندان بود. کرم، سخاوت، دوراندیشی، درایت، عفت و پاک دامنی، از وی بانویی پرهیزکار و مورد احترام ساخته بود. لقب «سیده نساء قریش» که در آن زمان به وی داده شد، نشان دهنده جایگاه او در میان مردم است. کمال روحی و عقلی و حُسن ظاهر وی سبب شده بود مردان زیادی اندیشه همسری او را در سر بپرورانند. عُقْبهِ بنِ اَبی مُعیط، صَلّت بنِ اَبی یَهاب، ابوجهل و ابوسفیان از جمله مردان ثروتمند و بانفوذ قریش بودند که از او خواستگاری کردند، ولی خدیجه علیهاالسلامدرخواست آنان را رد کرد.(۳)

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۹.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۹.

۳- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

دیدار با شبان جوان

دیدار با شبان جوان

خدیجه علیهاالسلام زمانی با محمد امین صلی الله علیه و آله آشنا شد که وی به شبانی مشغول بود و گوسفندان اهل مکه را برای چرا به سرزمین قراریط می برد.(۱) محمد صلی الله علیه و آله در آن روزگار با عمویش، ابوطالب زندگی می کرد. ابوطالب فرزندان بسیاری داشت و در تنگ دستی به سر می برد، به همین دلیل، محمد صلی الله علیه و آله با شبانی و کار و تلاش خود روزگار می گذراند.

پیشنهاد ابوطالب

پیشنهاد ابوطالب

ابوطالب، عموی پیامبر که وضع دشوار زندگی تنها یادگار برادرش را می دید، به او شغل تجارت را پیشنهاد کرد و از او خواست تا نزد خدیجه علیهاالسلام برود که یکی از بازرگانان خوش نام و معروف قریش بود. مناعت طبع و بلندی روح محمد صلی الله علیه و آلهمانع از این بود که از دیگران درخواستی کند. ازاین رو، به عموی خود گفت: «شاید خود خدیجه علیهاالسلام دنبال من بفرستد.» چنین اتفاقی نیز رخ داد و خدیجه علیهاالسلامکه از گفت وگوی ابوطالب و محمد صلی الله علیه و آله آگاه شده بود، شخصی را به دنبال محمد صلی الله علیه و آلهفرستاد و گفت: «دلیلی که مرا بر آن داشته است تا از تو دعوت کنم که به نمایندگی من در کاروان

۱- جعفر سبحانی، فرازهایی از تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۷۶، ص ۷۵.

تجاری قریش شرکت کنی، راست گویی، امانت داری و اخلاق پسندیده توست. من حاضرم دوبرابر آنچه به دیگران می دادم، به تو بدهم و دو غلام خود را نیز همراه تو بفرستم تا در تمام مراحل فرمان بردار تو باشند».(۱) وقتی محمد صلی الله علیه و آله جریان را برای عموی خود نقل کرد، ابوطالب فرمود: «این گشایشی است برای زندگی که خداوند آن را برایت مهیا کرده است».(۲)

کاروان بازرگانی قریش که کالاهای خدیجه علیهاالسلام در آن بود، آماده حرکت شد. خدیجه علیهاالسلام، شتری راهوار به همراه مقداری کالای گران بها به وکیل خود، محمد صلی الله علیه و آله داد و به غلامش مَیْسَرَه نیز دستور داد تا در تمام مراحل فرمان بردار وی باشد. کاروان به مقصد رسید و همه بازرگانان در این سفر سود بردند، ولی سود محمد صلی الله علیه و آله بیش از همه بود. او کالاهایی نیز برای فروش در بازار تِهامَه خریده بود. کاروان پس از موفقیت کامل، راه مکه را پیش گرفت.

هنگامی که کاروان به مکه نزدیک شد، میسره به محمد صلی الله علیه و آله گفت: «خوب است شما زودتر نزد خدیجه علیهاالسلامبروید و او را از جریان تجارت پرسود و بی سابقه ای که امسال نصیب ما شده است، آگاه

۱- بنابر نقل ابن هشام و ابن اسحاق، خدیجه علیهاالسلام با همه کارگزاران تجاری خود بر اساس مضاربه عمل می کرد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز به این شیوه با وی معامله کرد. بحارالانوار، ج ۱۶، صص۸و۹.

۲- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، مرکزانتشارات دارالتبلیغ اسلامی،قم، ۱۳۵۱، ج۱، صص۱۵۶و۱۵۷.

سازید». وی به دیدار خدیجه علیهاالسلام رفت و آنچه را در این سفر بر او گذشته بود، با خدیجه علیهاالسلام در میان گذاشت. میسره نیز تمام آنچه را در این سفر دیده بود و آنچه را نشان دهنده عظمت و معنویت محمد صلی الله علیه و آلهبود، برای بانوی خود تعریف کرد. از جمله گفت: «محمد بر سر موضوعی با تاجری اختلاف پیدا کرد. آن مرد به محمد گفت به لات و عزّی سوگند بخور تا سخن تو را بپذیرم. محمد در پاسخ او گفت: پست ترین و مبغوض ترین موجودات نزد من لات و عزّی هستند که تو آنها را می پرستی».

میسره همچنین تعریف کرد: در «بُصْرِی هنگامی که محمد برای استراحت زیر سایه درختی نشسته بود، چشم راهبی که در صومعه خود نشسته بود، به او افتاد. نامش را از من پرسید و بعد از تأمل کوتاهی گفت: این مرد که زیر سایه این درخت نشسته است، همان پیامبری است که در تورات و انجیل درباره او بشارت های فراوانی خوانده ام».(۱)

پیوند ملکوتی

پیوند ملکوتی

خدیجه علیهاالسلام به عظمت روح محمد صلی الله علیه و آله پی برده و آثار نبوت را در وجود او دیده و غنچه مهر و محبت او در دلش شکوفه زده بود. وی جوانی پاک دامن و امین را پیش روی خود داشت که هنگام سخن گفتن با او عرق شرم و نجابت بر چهره اش می نشست و پاکی دلش از

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۱۷ - ۲۰.

صداقت سیمایش آشکار بود.

خدیجه علیهاالسلام افکار خود را با همدم خود نفیسه، دختر عَلِیَّه (یامِنْیَه) در میان گذاشت. نفیسه پیام خدیجه علیهاالسلام را به محمد صلی الله علیه و آله رساند و گفت: «ای محمد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسری روشن نمی کنی؟» محمد صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «من مالی ندارم که با آن ازدواج کنم.» نفیسه گفت: «اگر من تو را به ازدواج با زنی زیبا و ثروتمند و با شرافت و عزت دعوت کنم، می پذیری؟» محمد صلی الله علیه و آلهپرسید: «آن شخص کیست؟» نفیسه گفت: «خدیجه!» محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «با اینکه وضع زندگی من با او تفاوت زیادی دارد، آیا او به این کار حاضر می شود؟» نفیسه گفت: «این را به من واگذار کن!»

محمد صلی الله علیه و آله به پیشنهاد نفیسه پاسخ مثبت داد و فرمود: «لازم است که عموهای خود را از این کار آگاه سازم و با آنها مشورت کنم. اگر آنها به این کار رضایت دادند، به همراه عموهای خود به خواستگاری خدیجه علیهاالسلام خواهم آمد».(۱)

خواستگاری

خواستگاری

محمد صلی الله علیه و آله در این باره با ابوطالب مشورت کرد و مجلس باشکوه خواستگاری با حضور شخصیت های بزرگ قریش تشکیل شد. امام

۱- فروغ ابدیت، صص ۱۵۶ _ ۱۶۴، ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۱، صص۱۳۱ و ۱۳۲.

صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست با خدیجه علیهاالسلام، دختر خُوَیْلِد ازدواج کند، ابوطالب با خاندانش و گروهی از قریش نزد وَرَقَه بْنِ نَوْفَل، پسرعموی خدیجه علیهاالسلام آمدند. ابوطالب سخن آغاز کرد و فرمود: «سپاس پروردگار این خانه را که ما را از فرزندان ابراهیم و اسماعیل قرار داد و ما را در این سرزمین امن فرود آورد و بر مردمان فرمانروایی بخشید و در این شهر برکت و نعمت فراوان بر ما ارزانی داشت. فرزند برادرم کسی است که بر هر مردی از قریش که با او مقایسه شود، برتری دارد و از هر که با او سنجیده شود، بزرگ تر است و نظیری در میان آفریدگان ندارد. هرچند ثروتش اندک است، ولی ثروت چون شبی گذرا و سایه ای ناپایدار است. اینک پیش تو آمدیم تا خدیجه علیهاالسلام را از تو خواستگاری کنیم. مَهریه او را من از مال خود خواهم داد؛ آنچه را اکنون یا هر زمان دیگری بخواهد. قسم به خدای این خانه که او بهره ای وافر و دینی گسترده و اندیشه ای کامل دارد».

آن گاه ابوطالب سکوت کرد و نوبت ورقه رسید، ولی در سخن گفتن به سختی افتاد و از پاسخ دادن به ابوطالب درمانده شد و سکوت اختیار کرد. خدیجه علیهاالسلامگفت: «پسرعمو! تو هرچند بزرگ خانواده ای و در سخن گفتن در این مجلس از من سزاوارتری، ولی من در رضایت نسبت به این ازدواج سزاوارترم. ای محمد! من درخواست تو را می پذیرم و مهر را نیز از مال خویش می دهم.» آن گاه از ابوطالب خواست تا شتری قربانی کند و به مردم ولیمه بدهد.

ابوطالب فرمود: «گواه باشید که خدیجه علیهاالسلام، محمد را پذیرفت و مهر را از مال خویش ضمانت کرد.» قریشیان گفتند: «شگفتا که مهر را زن به مرد می دهد!» ابوطالب به پا خاست و فرمود: «اگر مردی مانند برادرزاده ام باشد، جا دارد که با گران ترین بها و بیشترین مهر خواسته شود، ولی اگر مثل شما باشد، جز با پرداختن مهر سنگین با شما ازدواج نخواهد کرد.» سپس در همان مجلس شتری قربانی کرد و بدین ترتیب، محمد صلی الله علیه و آله با خدیجه علیهاالسلام ازدواج کرد».(۱)

گفته می شود مهریه حضرت خدیجه علیهاالسلام، چهارصد دینار و به قولی، بیست شتر بود(۲) و خدیجه علیهاالسلام هنگام ازدواج چهل سال داشت.(۳)

همسری آفتاب

همسری آفتاب

سرانجام محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلام پیمان ازدواج بستند. خدیجه علیهاالسلام تمام دارایی خود و غلامانش را در اختیار محمد صلی الله علیه و آله گذاشت تا او هرگونه می خواهد در آنها تصرف کند. خدیجه علیهاالسلام که به عظمت معنوی همسرش آگاهی داشت، همواره در راه رضای او گام برمی داشت. البته این رفتارهای او با سرزنش های تلخ قریش همراه بود. برخی زنان آن روزگار، با ارزش واقعی مفاهیمی چون

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۱۴ و ۱۶.
۲- فروغ ابدیت، ج ۱، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.
۳- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۶۴.

خوش رفتاری، راست گویی و امانت داری بیگانه بودند و فلسفه ازدواج زنی ثروتمند با مردی تهی دست را درک نمی کردند. ازاین رو، هر فرصتی را مغتنم می شمردند و لب به طعنه می گشودند و خدیجه علیهاالسلام را می آزردند. زنان مکه با خدیجه علیهاالسلام رفتاری ناروا داشتند، ولی او که در کنار همسر محبوبش احساس آرامش می کرد، برای رویارویی با افکار جاهلانه زنان، آنها را جمع کرد و فرمود: «از زنان عرب شنیده ام که [شوهران شما] بر من خرده می گیرند که چرا با محمد وصلت کرده ام؟ از شما می پرسم آیا کسی مانند محمد در نیکویی، نیک رفتاری، خصلت های پسندیده و فضیلت و شرافت در تمام سرزمین عرب سراغ دارید؟»(۱)

فرزندان خدیجه علیهاالسلام

فرزندان خدیجه علیهاالسلام

تولد فرزندان، پیوند زناشویی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلام را محکم تر و چراغ زندگی آنان را پرفروغ تر ساخت. خدیجه علیهاالسلام از این پیوند آسمانی صاحب شش فرزند شد: دو پسر و چهار دختر. بزرگ ترین آنها قاسم بود که در دوران جاهلیت به دنیا آمد. سپس زینب متولد شد که بعدها به همسری اَبوالعاصِ بْنِ ربیعَه درآمد. سومین فرزند وی اُمِّ کُلثوم بود که به همسری عُثمانِ بنِ عَفّان درآمد، ولی پیش از عروسی از دنیا رفت و آن حضرت، رُقَیّه دختر سوم خود را به ازدواج او درآورد. آخرین دختر آن بانوی بزرگوار، حضرت فاطمه علیهاالسلام، همسر

۱- مجله کوثر، ش ۱، صص ۲۴ - ۳۰.

حضرت علی علیه السلام و مادر حسنین علیهم السلام است. دومین پسر ایشان نیز عبدالله است که پس از اسلام به دنیا آمد و به همین علت او را «طَیِّب» و «طاهر» لقب دادند. گفته شده است پسران ایشان در کودکی از دنیا رفتند؛ قاسم در هفت سالگی و عبدالله در دو سالگی. همه دختران آن حضرت نیز به جز فاطمه علیهاالسلام از دنیا رفتند. از همین رو، نسل پیامبر تنها از طریق حضرت زهرا علیهاالسلام ادامه یافت.(۱)

کسانی که معتقدند خدیجه علیهاالسلام پیش از ازدواج با پیامبر ازدواج کرده است، می گویند وی از ازدواج های قبلی خود نیز فرزندانی داشته است. از جمله از عَتیق بنِ خالِدِ مَخْزوُمی، یک دختر داشته که بعدها با اَبُوهاله اسدی ازدواج کرده و ثمره این ازدواج هِندِ ابنِ اَبی هالَه است. البته برخی هِند را خواهرزاده خدیجه علیهاالسلاممی دانند.(۲)

باید بگوییم پیامبر نیز از همسر دیگرشان مارِیه قِبطِیَه، پسری به نام ابراهیم داشته که وی نیز در خردسالی از دنیا رفته است.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «چرا پسری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی نماند؟» ایشان در پاسخ فرمود: «زیرا محمد، پیامبر خدا و علی، «وصی» او بود و اگر آن حضرت فرزندی از خود بر جای می گذاشت، در ولایت علی علیه السلام تردید می شد و وصایت او تثبیت

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱.

۲- مستدرک سفینه البحار، ج ۳، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

نمی گشت».(۱)

فوت پسران

فوت پسران

هنگامی که عبدالله (طاهر) وفات یافت، پیامبر خدا، خدیجه علیهاالسلام را از گریه و شیون نهی کرد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه آمد و خدیجه علیهاالسلام را در حال گریه دید. به او فرمود: «چرا گریه می کنی؟» خدیجه علیهاالسلام گفت: «من هنوز عبدالله را از شیر نگرفته بودم.» پیامبر فرمود: «ای خدیجه! آیا خشنود نمی شوی اگر روز قیامت او در کنار بهشت ایستاده باشد و دست تو را بگیرد و به بهشت داخل کند و در نیکوترین جای منزل دهد؟» خدیجه علیهاالسلام با شگفتی پرسید: «ای رسول خدا! واقعا چنین است؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، این فضیلت برای همه مؤمنان است. خداوند حکیم تر و کریم تر از آن است که جگرگوشه مؤمن را از او بگیرد و او بر این مصیبت صبر پیشه کند و خدای عزوجل را سپاس گوید و آن گاه خداوند او را عذاب کند».(۲)

میلاد فاطمه زهرا علیهاالسلام

میلاد فاطمه زهرا علیهاالسلام

در سال پنجم بعثت، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «خداوند بر تو سلام می رساند و می فرماید چهل روز از خدیجه علیهاالسلام کناره گیری کن.» پیامبر نیز چنین کرد. پس عمار را نزد خدیجه علیهاالسلام فرستاد و

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۱۵ و ۱۶.

فرمود: «به خدیجه علیهاالسلام بگو فکر نکن تو را از یاد برده ام. پروردگارم مرا به این کار فرمان داده و در این کار حتما خیری نهفته است».

پیامبر در این چهل روز در خانه فاطمه بِنتِ اَسَد علیهاالسلام، مادر حضرت علی علیه السلام اقامت داشت. روزها را روزه می گرفت و شب علی علیه السلام را به مراقبت از خانه می گماشت تا غریبه ای به آن وارد نشود. آن گاه روزه خود را با طعامی از بهشت افطار می کرد.(۱) سپس تمام شب را به عبادت می پرداخت.

خدیجه علیهاالسلام چهل روز را تنها در خانه خویش به سر برد، ولی شوق دیدار پیامبر و خاطره خوش روزهای گذشته، تحمل تنهایی را بر او آسان کرد. سرانجام لحظه موعود فرا رسید و محمد صلی الله علیه و آله پس از چهل روز به خانه بازگشت. خدیجه علیهاالسلامکه روزها در انتظار او صبر پیشه کرده بود، در را بر او گشود و با روی گشاده به او خوش آمد گفت. جبرئیل نیز طعامی نیکو برای آن دو از بهشت آورد. همه اینها زمینه ای بود تا نوگل خدیجه علیهاالسلام، زهرای مرضیه، جهان را به هستی خویش زینت بخشد.

فاطمه علیهاالسلام از همان آغاز و حتی در شکم مادر، یار و همدم وی بود و با او سخن می گفت. سرانجام زمان ولادت حضرت زهرا علیهاالسلام فرا رسید. زنان قریش که از ازدواج خدیجه علیهاالسلام با پیامبر دل گیر بودند، به کمک او نیامدند و بر بالینش حاضر نشدند. به فرمان خداوند، چهار زن از زنان بزرگ بهشت، ساره، همسر ابراهیم خلیل علیه السلام؛ آسیه، همسر

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۷۷ _ ۸۱.

فرعون؛ مریم، مادر عیسی علیه السلامو کُلثوم، خواهر حضرت موسی علیه السلام بر بالین خدیجه علیهاالسلام ظاهر شدند و او را یاری کردند. یکی از آنان سمت راست خدیجه علیهاالسلام، دیگری سمت چپ، یکی بر بالای سر و آخری پایین پای خدیجه علیهاالسلام نشست. آنها فاطمه علیهاالسلام را از مادر گرفتند و حوریان بهشتی، او را با آب کوثر شست وشو دادند و در پارچه ای سفید پیچیدند.(۱)

خدیجه علیهاالسلام در منزلگاه وحی

خدیجه علیهاالسلام در منزلگاه وحی

کوه نور در شمال مکه قرار دارد. در نقطه شمالی این کوه، غاری است که حرا نامیده می شود و پس از عبور از میان سنگ های سخت می توان به آن رسید. ارتفاع این غار به اندازه قامت یک انسان است و عبادتگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله، برترین برگزیده خدا بود. او شب ها و روزها را در این مکان سپری می کرد و این مکان خلوت و دور از هیاهو را برای عبادت و پرستش پروردگار انتخاب کرده بود. محمد صلی الله علیه و آله ماه رمضان را در آنجا می گذراند و در ماه های دیگر نیز گاه و بی گاه به آنجا می رفت و به راز و نیاز با خدای خویش می پرداخت. خدیجه علیهاالسلام هرگاه همسرش را در خانه نمی یافت، در پی او به حرا می رفت و او را در آنجا سرگرم عبادت می دید. مدت ها بود که خدیجه علیهاالسلام ساعت ها در کوه نور به تماشای این راز و نیاز پرشور و اُنس و ارتباط محمد با خدا می نشست.

۱- محمد بن علی بن بابویه، صدوق، امالی، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۵۳.

خدیجه علیهاالسلام می دانست محمد صلی الله علیه و آله از اینکه مردم نادان بت های بی روح را ستایش می کنند، متأثر است، ولی نمی تواند چیزی بگوید؛ چون به بازگویی حقایق، مأمور نیست.

سرانجام زمان موعود فرا رسید و جبرئیل از جانب خدا برای محمد امین پیام آورد:

ــ بخوان!

ــ چه بخوانم؟

ــ بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید... .

مأموریت جبرئیل پایان یافت و محمد صلی الله علیه و آله پس از آنکه به پیامبری رسید، از کوه حرا رهسپار خانه خدیجه علیهاالسلام شد. این واقعه، روح پیامبر را مضطرب و جسم او را سخت خسته و ناتوان کرده بود. آغاز ارتباط روحی با فرشته الهی برای او سخت و سنگین بود و لرزه بر اندام مبارکش انداخته بود.

با اینکه حضرت یقین داشت آنچه بر وی نازل شده، پیام خدا و آورنده آن جبرئیل است، ولی این همه اضطراب تا حدی طبیعی می نمود؛ چرا که روح هر اندازه توانا باشد و با نظام غیب و عوالم روحانی رابطه داشته باشد، باز وقتی اولین بار با فرشته وحی روبه رو می شود، اضطراب و وحشت به او دست می دهد. بعدها اضطراب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بین رفت.(۱)

خدیجه علیهاالسلام که همسر خود را مضطرب و خسته دید، نگران شد و

۱- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۸۶.

جریان را از پیامبر پرسید. محمد امین صلی الله علیه و آله نیز هر آنچه را در کوه اتفاق افتاده بود، برای خدیجه علیهاالسلام تعریف کرد. خدیجه علیهاالسلام به بزرگی، راست گویی و درست کاری محمد صلی الله علیه و آله ایمان داشت و پیش تر نیز شنیده بود که مردی بزرگ از مکه، آخرین پیامبر الهی خواهد شد. پس با شنیدن سخنان پیامبر، به او ایمان آورد و وی را دعا کرد و دلگرمی داد.

پیامبر که احساس خستگی می کرد، به خدیجه علیهاالسلام فرمود: «دَثِّرینی؛ مرابپوشان». خدیجه علیهاالسلاماو را پوشانید و محمد صلی الله علیه و آله به خواب فرو رفت. خدیجه علیهاالسلام نیز با خود پیمان بست که با تمام توان از شوهرش که دیگر پیام آور حق و حقیقت شده بود، دفاع کند. ازاین رو، وی اولین زنی بود که به پروردگار و رسالت محمد صلی الله علیه و آلهایمان آورد. هیچ تردیدی وجود ندارد که خدیجه علیهاالسلام، نخستین بانویی است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورده است.

ما در این مورد، تنها به بررسی یک سند تاریخی بسنده می کنیم که تاریخ نویسان از عایشه، همسر پیامبر نقل کرده اند. عایشه می گوید:

من همواره از اینکه روزگار خدیجه علیهاالسلام را درک نکرده بودم، تأسف می خوردم و از علاقه پیامبر به او در شگفت بودم؛ چرا که پیامبر، او را بسیار یاد می کرد و اگر گوسفندی می کشت، به سراغ دوستان خدیجه علیهاالسلاممی رفت و سهمی برای آنها می فرستاد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که خانه را ترک می کرد، خدیجه علیهاالسلام را

یاد کرد و از او تعریف کرد. کار به جایی رسید که صبر خویش را از دست دادم و با کمال جرئت گفتم: «وی پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را نصیب شما کرده است!» گفتار من چنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را متأثر ساخت که آثار خشم و غضب در چهره او ظاهر شد. رو به من کرد و فرمود: «ابدا چنین نیست... هرگز همسری بهتر از آن نصیب من نشده است. او هنگامی به من ایمان آورد که همه مردم در کفر و شرک به سر می بردند؛ او ثروت خود را در سخت ترین لحظات در اختیار من گذاشت؛ خدا از او فرزندانی نصیبم کرد که به دیگر همسرانم نداد!»(۱)

خدیجه علیهاالسلام، اولین بانویی بود که همراه علی بن ابی طالب علیه السلام با پیامبر به نماز ایستاد و پیشانی عبودیت بر خاک سایید. او بدین گونه وفاداری خود را به پیامبر اثبات کرد.

خدیجه علیهاالسلام در شعب ابی طالب

خدیجه علیهاالسلام در شعب ابی طالب

سران قریش که از پیشرفت حیرت انگیز آیین یکتاپرستی سخت نگران و ناراحت بودند، به فکر چاره افتادند. آنها تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و قطع کردن شریان های حیاتی مسلمانان، از نفوذ و گسترش اسلام بکاهند و پیامبر و یارانش را در حصار فقر و تبعید نابود کنند یا به سازش و تسلیم وادارند. بنابراین، عهدنامه ای به خط مَنْصُورِبْنِ عَکْرَمَه و امضای هیئت عالی قریش نوشتند و آن را داخل کعبه آویختند. آنان سوگند یاد کردند تا دم

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸.

مرگ بر مفاد این پیمان پایدار بمانند. مفاد عهدنامه به این شرح بود:

۱. هر گونه خرید و فروش با هواداران محمد صلی الله علیه و آله تحریم می شود؛

۲. ارتباط و معاشرت با آنان ممنوع است؛

۳. کسی حق ندارد با مسلمانان ارتباط زناشویی برقرار کند؛

۴. در تمام پیشامدها باید از مخالفان محمد صلی الله علیه و آله طرفداری کرد.

پس از این عهدنامه، ابوطالب که عموی پیامبر و حامی او بود، از تمام خویشان و اقوامش دعوت کرد تا پیامبر را یاری کنند. سپس دستور داد همه مسلمانان به درّه ای بروند که میان کوه های مکه قرار داشت و به شِعْبِ ابی طالب معروف بود. شعب خانه های محقر و سایبان های مختصری داشت که مسلمانان می توانستند در آنجا از گزند مشرکان دور باشند. محاصره اقتصادی سه سال طول کشید. در این مدت، جوانان و مردان با خوردن یک دانه خرما در شبانه روز زندگی می کردند و گاهی به دلیل کمبود شدید غذا حتی همان یک دانه خرما را نصف می کردند.

خدیجه علیهاالسلام در این سه سال هیچ گاه همسرش را تنها نگذاشت و مانند همیشه با مال خود به یاری او شتافت. خدیجه علیهاالسلام تمام ثروت خود را در جریان شعب خرج کرد تا جایی که گفته می شود بعد از محاصره اقتصادی دیگر ثروتی نداشت. او علاوه بر اینکه ثروت خود را در این راه صرف کرد، از خویشان خود نیز خواست که در فرصت پیش آمده به مسلمانان کمک کنند. از جمله افرادی که مسلمانان را یاری کردند، می توان

حَکیمِ بْنِ حَزام، برادرزاده خدیجه علیهاالسلام و اَبُوالْعاص، داماد خدیجه علیهاالسلام و همسر رقیه را نام برد. حکیم بن حَزام گاهی نیمه شب ها مقداری گندم و خرما بر شتری می گذاشت و تا نزدیکی شعب می برد. آن گاه افسار شتر را بر گردنش می آویخت و آن را رها می کرد تا به مسلمانان برسد.

این سختی ها ادامه داشت تا اینکه سرانجام پیک وحی پیام آورد موریانه، عهدنامه قریش را خورده است و تنها کلمه «بِسْمِکَ اللّهُمَّ» باقی مانده است. پیامبر جریان را به ابوطالب خبر داد. این گونه بود که محاصره اقتصادی مسلمانان به پایان رسید و مسلمانان به ویژه خدیجه علیهاالسلام و ابوطالب در این امتحان الهی سربلند و پیروز شدند.(۱)

محمد صلی الله علیه و آله در سوگ خدیجه علیهاالسلام

محمد صلی الله علیه و آله در سوگ خدیجه علیهاالسلام

خدیجه علیهاالسلام سه سال رنج و مشقت شعب را تحمل کرد که می توان آن را اوج فداکاری او در خدمت به اسلام به شمار آورد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، همواره از این فداکاری خدیجه علیهاالسلام یاد می کرد و او را به خاطر این ایثار و ازخود گذشتگی می ستود.

پس از آنکه مسلمانان از شعب خارج شدند، مدتی نگذشت که ابوطالب، عموی مهربان و وفادار پیامبر درگذشت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در حزن و اندوه فرو برد. پس از ابوطالب، خدیجه علیهاالسلام پشتیبان و

۱- برگرفته از: فروغ ابدیت، ج ۱، صص ۲۷۱ - ۲۸۶.

همراه پیامبر بود، ولی او نیز اندکی بعد بیمار شد و درگذشت.

این بانوی گران قدر در دهم رمضان سال دهم بعثت؛ یعنی حدود سه سال قبل از هجرت وفات یافت. گفته اند وفات خدیجه علیهاالسلام تنها سه روز پس از درگذشت ابوطالب رخ داد و برخی معتقدند که وفات خدیجه علیهاالسلام سی و پنج روز پس از فوت ابوطالب علیه السلام بوده است. در این میان، آنچه مسلّم است این است که هر دو بزرگوار در یک سال وفات یافته اند.(۱) ازاین رو، سالی را که این دو مصیبت بزرگ بر پیامبر وارد گشت، «عامُ الحُزْن» نام نهادند. خدیجه علیهاالسلام هنگام وفات شصت و پنج سال داشت و بیست و چهار سال از عمر شریفش را در کنار پیامبر سپری کرده بود. پیامبر در وفات خدیجه علیهاالسلام بسیار گریست و دستور داد در حَجُون، که قبرستانی نزدیک مکه بود، قبری برای این بانوی بزرگوار فراهم کنند. در آن زمان هنوز نماز میّت واجب نشده بود. بنابراین، بر جنازه خدیجه علیهاالسلام نماز نخواندند. پیامبر وارد قبر خدیجه علیهاالسلام شد و با دست مبارک خویش، او را داخل قبر گذاشت و برایش دعا کرد.

پس از وفات خدیجه علیهاالسلام، فاطمه علیهاالسلام خردسال همواره گرد پدر می گشت و خود را به دامان او می آویخت. او بهانه مادر را می گرفت و دل دردمند پیامبر را بیش از پیش به آتش می کشید. روزی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «ای پیامبر! به فاطمه علیهاالسلام بگو خدا کاخی از مروارید برای مادرت ساخته است که در آنجا هیچ سختی و تلخی وجود

۱- سیره ابن اسحاق، دفتر مطالعات تاریخ معارف اسلامی، تهران، بی تا، ص ۲۴۳.

ندارد».(۱)

نقل است که سال ها بعد هنگامی که می خواستند خبر خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیهاالسلام را به پیامبر برسانند، گروهی از زنان نزد آن حضرت آمدند و گفتند: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! جان ما فدای تو باد! برای کاری نزد تو آمده ایم که اگر خدیجه علیهاالسلامزنده بود، خشنود می شد». چون نام خدیجه علیهاالسلام بر زبان زنان جاری شد، پیامبر سخت گریست. اَمّ سَلَمَه پرسید: «برای چه می گریید؟» پیامبر فرمود:

خدیجه! کجا مثل خدیجه علیهاالسلام پیدا می شود؟ زمانی که مردم مرا تکذیب کردند، او تصدیقم کرد؛ بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به خانه ای زمردین در بهشت بشارت دهم که هیاهو و اضطراب و سختی و محنت در آن نیست.(۲)

در سال ۷۲۷ ه . ق، قبه ای بر قبر خدیجه علیهاالسلام ساخته شد که وهابیان آن را در سال ۱۳۴۴ ه . ق ویران کردند.(۳)

۱- برگرفته از: ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۹.

۲- مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳- تاریخ اماکن زیارتی مکه معظمه و مدینه منوره، چاپ سازمان حج و اوقاف، بخش مربوط به قبور «حجون».

فصل دوم: فضایل و خدمات خدیجه علیهاالسلام

اشاره

فصل دوم: فضایل و خدمات خدیجه علیهاالسلام

زندگی حضرت خدیجه علیهاالسلام را می توان نمونه ای کامل از تحول مثبت و سیر به سوی کمال دانست. به همین دلیل بررسی فضایل ایشان برای همه گروه های جامعه اسلام به ویژه زنان مسلمان، الگویی نیکو است. در اینجا فضایل آن حضرت را به اختصار ذکر می کنیم:

۱. خدیجه علیهاالسلام، نخستین بانوی مسلمان

۱. خدیجه علیهاالسلام، نخستین بانوی مسلمان

خدیجه علیهاالسلام اولین بانویی بود که دعوت پیامبر خدا را به پرستش خدای یگانه پذیرفت و گفتار و کردار پیام آور حق و حقیقت را با ایثار جان و مال تصدیق کرد.

عَفیف یکی از تاجران مشهور می گوید:

وقتی پای به مسجدالحرام نهادم، با منظره ای شگفت روبه رو شدم. سه نفر را در حال خم و راست شدن دیدم. از عباس درباره آنها پرسیدم. گفت: «نفر نخست که برادر زاده من است، مدعی نبوت است. مردی که پشت سر او است، علی، عموزاده اوست و آن زن هم همسر محمد؛ یعنی خدیجه

علیهاالسلام است». غیر از اینها کسی را بر این آیین سراغ ندارم.(۱)

علی علیه السلام آن روزها را چنین توصیف می کند:

در آن روزگار جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلام، کسی به اسلام نگرویده بود و من سومین آنها بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را با مشام جان حس می کردم.(۲)

۲. خدمات خدیجه علیهاالسلام به اسلام

اشاره

۲. خدمات خدیجه علیهاالسلام به اسلام

خدیجه علیهاالسلام در بیست و چهار سال زندگی مشترک با پیامبر گرامی اسلام، خدمات بسیاری برای آن بزرگوار و دین اسلام انجام داد. حمایت های مالی، روحی و عاطفی از محمد صلی الله علیه و آله، تصدیق و تأیید پیامبر در روزگاری که هیچ کس مؤیدش نبود و یاری ایشان در برابر آزار مشرکان، گوشه هایی از این خدمات ارزشمند است که اثر آن در سه دوره مهم زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به خوبی آشکار است:

الف) پیش از طلوع وحی

الف) پیش از طلوع وحی

خدیجه علیهاالسلام پس از ازدواج با پیامبر، دارایی اش را به ایشان بخشید تا آن را هرگونه می خواهد به مصرف برساند. رسول گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: «ما نَفَعَنِی مالٌ قَطُّ ما نَفَعَنِی مالُ خَدِیجهُ؛ هیچ ثروتی به اندازه ثروت

۱- محمد بن حسین شریف الرضی، خصائص امیرالمؤمنین، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۴، ص ۴۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

خدیجه علیهاالسلام برای من سودمند نبود.»(۱) هنگامی که خدیجه علیهاالسلام از علاقه پیامبر به اخلاق پاک زید، یکی از غلامانش آگاه شد، او را به ایشان بخشید.(۲) زید نیز به پیامبر ایمان آورد و از نخستین مؤمنان گردید.(۳)

ب) پس از طلوع وحی

ب) پس از طلوع وحی

آن گاه که محمد صلی الله علیه و آله از غار حرا به خانه بازگشت و خدیجه علیهاالسلام را از رسالتش آگاه کرد، وی بی درنگ حضرت را تأیید کرد و به درستی گفتارش ایمان آورد و در حق او دعا کرد.

این بانوی بزرگوار نه تنها از عمق جان به رسالت پیامبر ایمان آورد، بلکه او را در برابر سختی ها و تکذیب مشرکان و بدخواهان یاری داد. تا زنده بود اجازه نداد آزار و شکنجه مشرکان بر رسول خدا صلی الله علیه و آلهسخت آید. هنگامی که رسول اللّه صلی الله علیه و آله با باری از مصیبت و سختی ها به خانه می آمد، خدیجه علیهاالسلام، او را دلداری می داد و نگرانی را از ذهن و خاطرش می زدود.(۴)

خدیجه علیهاالسلام هیچ گاه در آسایش نبود؛ چون کافران همواره درصدد بر هم زدن آرامش خانه رسول خدا صلی الله علیه و آلهو آزار رساندن به ایشان

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱.
۲- ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۶.
۳- ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۶.؛ احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۹.
۴- ابن هشام، سیره النبی صلی الله علیه و آله، مکتبه محمد، مصر، ۱۳۸۳ ه . ق، ج ۱، ص ۲۴۹.

بودنـد. ابولهب، حکم بن عاص بن امیه، عَقَبَه ابن اَبی مُعیط، عدی بن حمد اثقفی و اِبْنُ الْأَصداءِ هُذَلی و وَلید بْنِ مُغَیْره از جمله کافرانی بودنـد که همواره خانه خدیجه علیهاالسـلام را آشـفته می ساختند و آسایش وی را بر هم می زدند. با این حال، بانوی پارسـای پیـامبر، بـا درایت و صـبر، محیـط خـانه را آرام می سـاخت و از تجـاوز کینه تـوزان به حریم امن پیـامبر جلوگیری می کرد.(۱)

خـدیجه علیهاالسـلام با موقعیت اجتماعی خویش توانست بارها پیامبر را از شـرّ کافران و جاهلان برهانـد. نمونه های زیادی در این مورد وجود دارد که ما تنها به ذکر یک مورد بسنده می کنیم:

روزی پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در ایـام حـج به بالای کوه صـفا رفت و با صـدای بلنـد نـدا داد: «ای مردم! من فرسـتاده پروردگارم.» سـپس به کوه مروه رفت و سه مرتبه همان سخن را تکرار کرد. کافران با سنگ به پیامبر حمله کردند. ابوجهل نیز سنگی پرتاب کرد که به پیشانی رسول خدا صـلی الله علیه و آله اصابت کرد و خون از پیشانی آن حضرت جاری شد. پیامبر به کوه ابوقُبَیْس رفت و مشـرکان نیز در پی آن حضـرت رفتند. علی علیه السـلام به سرعت خود را به خدیجه علیهاالسلام رساند و موضوع را برای او بازگو کرد. اشک از گونه های خدیجه علیهاالسـلام جاری شد و همراه علی علیه السلامبرای یافتن همسرش راهی کوه و دشت گردید. در

۱- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۳۴؛ ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۷.

این هنگام، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «فرشتگان از گریه خدیجه علیهاالسلام به گریه آمدند. او را فراخوان، به او سلام برسان و بگو خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای بهشتی که از نور زینت داده شده است، بشارت ده».

سرانجام خدیجه علیهاالسلام و علی علیه السلام، پیامبر را یافتند و به خانه آوردند. مردم به خانه خدیجه علیهاالسلام حمله ور شدند و خانه او را سنگ باران کردند. خدیجه علیهاالسلام بیرون آمد و خطاب به آنان فرمود: «آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟» مردم با شنیدن سخنان خدیجه پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. آن گاه پیامبر، پیغام جبرئیل را به او رساند. خدیجه در پاسخ فرمود:

اِنَّ اللّهَ هُوَ السَّلامُ و مِنْهُ السَّلامُ وَ عَلی جَبْرِئیل السَّلامُ وَ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّهِ اَلسَّلامُ وَ بَرَکاتُهُ.(۱)

خدا، خود، سلام است و سلام از اوست و سلام بر جبرئیل و بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکات خداوند بر تو باد!

۳. حضرت خدیجه علیهاالسلام، مادر حضرت زهرا علیهاالسلام

۳. حضرت خدیجه علیهاالسلام، مادر حضرت زهرا علیهاالسلام

حضرت زهرا علیهاالسلام درباره منزلت مادر می فرماید:

اِلْزَمْ رِجْلَها فَاِنَّ الْجَنَّهَ تَحْتَ اَقْدامِها.(۲)

۱- برگرفته از ماهنامه کوثر، ش ۱، ص ۲۹.

۲- علی بن حسام الدین متقی، کنزالعمال، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۲.

به پایش درآویز؛ که بهشت زیر پای مادران است.

یکی از فضایل خدیجه علیهاالسلام این است که او مادر بانویی بزرگوار و شریف چون فاطمه علیهاالسلام است. این دو بزرگوار بسیار به یکدیگر دل بسته بودند. فاطمه علیهاالسلامپیش از تولد با مادر خود سخن می گفت و آن گاه که تمام زنان قریش، خدیجه علیهاالسلامرا تنها گذاشتند، آرامشی درونی به قلب دردمندش می بخشید و او را در سختی ها دلداری می داد. خدیجه علیهاالسلام نیز فاطمه علیهاالسلام را از جان و دل دوست می داشت؛ چون از مقام و منزلت دختر خویش آگاه بود.

آورده اند روزی حضرت خدیجه علیهاالسلام مشغول خواندن نماز چهار رکعتی بود. می خواست در رکعت سوم سلام دهد که فاطمه علیهاالسلام از شکم مادر ندا داد: «قُومی یا اُمّاهُ فَاِنَّکِ فِی الثّالِثَه؛ برخیز مادر که در رکعت سوم هستی».(۱)

اَسْماء بِنْتِ عُمَیس می گوید: «زمانی که خدیجه علیهاالسلام در بستر بیماری بود، گریه می کرد. عرض کردم: شما که بانوی زنان جهان و همسر پیامبر هستید و آن حضرت، شما را به بهشت بشارت داده است، چرا می گریید؟ فرمود: برای مردن گریه نمی کنم. هر زنی در شب عروسی اش نیازمند مادر است که سرّش را با او در میان بگذارد و نیازها و خواسته هایش را به او بگوید. من از آن ناراحتم که در شب زفاف فاطمه علیهاالسلام کسی نیست که او را یاری دهد. گفتم: بانوی من! به شما قول می دهم که اگر تا آن روز

۱- فاطمه الزهراء علیهاالسلام بهجه قلب المصطفی، دفتر تحقیقات و انتشارات، ص ۴۷۲.

زنده ماندم، به جای شما برای فاطمه علیهاالسلام مادری کنم.

شب زفاف فاطمه علیهاالسلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد که زنان همگی از خانه فاطمه علیهاالسلام خارج شوند، ولی من نرفتم. پیامبر هنگام خروج، متوجه من شد و فرمود: تو کیستی؟ چرا نرفتی؟ عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما، قصد سرپیچی نداشتم، ولی به خدیجه علیهاالسلام وعده ای داده ام که می خواهم به آن وفا کنم. آن گاه جریان را به طور کامل تعریف کردم. پیامبر گریست و مرا دعا کرد».(۱)

۴. خدیجه علیهاالسلام، مادر امامت

۴. خدیجه علیهاالسلام، مادر امامت

یکی از ویژگی های پیامبران و امامان، داشتن پدر و مادری مؤمن و مطهر و مخالف شرک و بت پرستی است. با نگاهی به زندگی پیامبران درمی یابیم که آنان همواره در دامن مادرانی پاک و پرهیزکار متولد و تربیت شده اند. در روایات متعدد بر این اصل تأکید شده است و در زیارت نامه ایشان نیز می خوانیم:

اَشْهَدُ اَنَّکَ کُنْتَ نُورا فِی الْاَصْلابِ الشّامِخَهِ وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَهِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّهُ بِاَنْجاسِها... .(۲)

گواهی می دهم که تو نوری بودی در پشت های فرازنده و ارحام پاک که به پلیدی های دوران جاهلیت نیالودی... .

۱- فاطمه الزهراء علیهاالسلام بهجه قلب المصطفی، دفتر تحقیقات و انتشارات، ص ۶۸۶ ، اِرْبلی در کتاب کشف الغمه می گوید: اسماء بنت عمیس همراه شوهرش جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت کرده بود و تا سال ششم هجرت بازنگشت، حال آنکه ازدواج فاطمه علیهاالسلامدر سال دوم هجری بوده است. وی معتقد است که سُلمی دختر عمیس، همسر حمزه بن عبدالمطلب در مراسم ازدواج فاطمه علیهاالسلام حضور داشته است و شاید روایت از زبان او نقل شده باشد.
۲- کلیات مفاتیح الجنان، زیارت وارث.

خـدیجه علیهاالسـلام، مادر فاطمه علیهاالسـلام و فاطمه علیهاالسـلام مادر تمام امامان است. پس مسلّم است که باید از ایمان و تقوایی والا برخوردار باشد تا خداوند شایستگی داشتن فرزندی چون فاطمه علیهاالسلام را به وی عطا کند. خدیجه علیهاالسلام حتی پیش از بعثت پیـامبر نیز به یگـانگی خـدا ایمان داشت و با داشـتن ثروت، موقعیت و حسن ظاهر هرگز دچار لغزش و خطا نشـد، به گـونه ای که در عصـر جـاهلیت به ایشـان لقب طـاهره دادنـد؛(۱) لقـبی که در آن روزگـار تبـاهی، نشـان از پـاکی و پرهیزکاری او دارد.

پیـامبر اعظم صـلی الله علیه و آله همواره از خـدیجه علیهاالسـلام به نیکی یاد می کرد و در روایتی به صـراحت ایشان را «ظرف امامت» می خواند. روزی پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بر فاطمه علیهاالسلاموارد شد و او را آشفته و بی قرار یافت. به فاطمه علیهاالسـلام فرمود: «چرا نگرانی؟» فرمود: «عایشه بر مادرم فخر می فروشد و می گوید با مردی پیش از شـما آشـنا نبوده است، حال آنکه مادر من در میان سالی با شـما ازدواج کرده است.» رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رو به فاطمه علیهاالسـلام کرد و فرمود: «بدان که مادر تو «ظرف امامت» و محل پیشوایی امت من است».(۲)

۱- محمدتقی کمال نیا، خدیجه کبری، امید، قم، بی تا، صص ۱ _ ۳.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۳.

۵. خدیجه علیهاالسلام مبارکه

۵. خدیجه علیهاالسلام مبارکه

یکی از حوادث مهم تاریخ اسلام، مباهله پیامبر با علمای مسیحی نجران است. این حادثه به تفصیل در قرآن(۱) و روایات آمده است. سَید بنِ طاووس در کتاب سعدالسعود تصریح می کندکه خبر مباهله به پنجاه و یک شیوه، از شیعه و سنّی روایت شده است. یکی از علمای مسیحی در روایتی، با تأکید بر نبوت پیامبر گرامی اسلام، به نشانه های پیامبر آخرالزمان که خداوند متعال به حضرت عیسی علیه السلام وحی کرده است، اشاره می کند. یکی از این نشانه های یاد شده مربوط به حضرت خدیجه علیهاالسلام است. خداوند ایشان را به صفت «مبارکه» توصیف کرده است و تصریح می کند که نسل پیامبر تنها از زنی مبارکه باقی و برقرار می ماند.(۲) بنابراین، قرن ها پیش از تولد حضرت خدیجه علیهاالسلام، خداوند ایشان را به صفت مبارکه نامیده است.

۶. خدیجه علیهاالسلام در قرآن

۶. خدیجه علیهاالسلام در قرآن

قرآن کریم در آیاتی چند به زنان بزرگ اشاره کرده و اوصاف و کردارشان را ستوده است. خدیجه علیهاالسلام یکی از این زنان است. خداوند در قرآن کریم با اشاره به نقش مهم خدیجه علیهاالسلام در حمایت اقتصادی از پیامبر اسلام و بخشش اموالش در راه گسترش دین اسلام می فرماید: «ای پیامبر! آیا ما تو را نیازمند نیافته و سپس تو را (با اموال خدیجه علیهاالسلام) بی نیاز نگردانیدیم؟» (ضحی: ۸) به نظر بسیاری از مفسران، این آیه به نقش اقتصادی

۱- نک: آل عمران: ۶۱.

۲- بحارالانوار، ج ۲۱، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

حضرت خدیجه علیهاالسلام در پیشرفت نهضت جهانی اسلام اشاره دارد.

۷. خدیجه علیهاالسلام، زن برگزیده

۷. خدیجه علیهاالسلام، زن برگزیده

خدیجه علیهاالسلام یکی از چهار زن برگزیده جهان به شمار می آید. در روایتی آمده است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط بر روی زمین کشید و پرسید: «آیا می دانید این چیست؟» گفتند: «خیر، خدا و رسولش داناترند.» رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود:

بهترین زنان بهشت چهار نفرند: خدیجه علیهاالسلام بنتِ خُوَیْلِدْ؛ فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله؛ مریم بنت عمران و آسیه بنت مُزاحِمْ (همسر فرعون).(۱)

۸. سلام جبرئیل بر خدیجه علیهاالسلام

۸. سلام جبرئیل بر خدیجه علیهاالسلام

مقام حضرت خدیجه علیهاالسلام آن قدر والاست که خداوند به وسیله امین وحی، جبرئیل بر او سلام می فرستد و او را گرامی می دارد. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از معراج بازگشت، از جبرئیل پرسید: «آیا کار دیگری هست؟» جبرئیل فرمود: «از جانب خداوند و از سوی من به خدیجه علیهاالسلام سلام برسان».

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که خدیجه علیهاالسلام را ملاقات کرد، فرمود: «ای خدیجه! خداوند و فرشتگانش بر تو سلام می رسانند و گرامی ات می دارند.» خدیجه علیهاالسلامفرمود: «خداوند، خود، سلام است

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲.

و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و نیز سلام بر جبرئیل فرشته حق باد».(۱)

از روایـات دیگر برمی آیـد که جبرئیـل هنگـام نزول بر پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله همواره سـلام پروردگار را به خـدیجه علیهاالسـلام ابلاغ می کرد. «یک بار جبرئیل بر پیامبر فرود آمـد و خدیجه علیهاالسـلام را نیافت. از رسول خدا صـلی الله علیه و آله حال او را جویا شـد و فرمود: هنگامی که خـدیجه علیهاالسـلام باز آمـد، او را خبر ده که پروردگار جهان، او را بزرگ می دارد و به او سلام و رحمت می فرستد».(۲)

۹. مقام خدیجه علیهاالسلام در بهشت

۹. مقام خدیجه علیهاالسلام در بهشت

یکی دیگر از فضایل حضـرت خدیجه علیهاالسلام، مقامی است در بهشت که از جانب خداوند به ایشان وعده داده شده است. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نیز بارها این مسـئله را به خـدیجه علیهاالسـلامبشارت داده و فرموده است: «در بهشت، خانه ای داری که در آن رنج و سختی نمی بینی».(۳)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

هنگامی که خـدیجه علیهاالسـلام وفات یافت، فاطمه علیهاالسـلام بی تابی می کرد و گرد پـدر می گشت و سـراغ مادر را از او می گرفت. پیامبر از این حالت دختر کوچکش بیشتر محزون می شد و نمی دانست به او چه پاسخی

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷؛ ج ۱۸، ص ۳۸۵.
۲- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸ .
۳- بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۷ و ۸ .

بدهـد تـا آرام گیرد. فـاطمه همچنـان بی تابی می کرد تا اینکه جبرئیل بر پیامبر نازل شـد و فرمود: به فاطمه علیهاالسـلام سـلام برسـان و بگو مـادرت در بهشت در خـانه ای از طلاـ و نقره در کنار آسـیه، همسـر فرعون و مریم، دختران عمران نشسـته است. فاطمه علیهاالسـلامهنگامی که این سـخن را شـنید، آرام گرفت و فرمود: خداونـد خود سـلام است، سـلام از اوست و سـلام به سوی اوست.(۱)

۱۰. خدیجه علیهاالسلام در اعراف

۱۰. خدیجه علیهاالسلام در اعراف

یکی از مواقف قیامت، اعراف است. در قرآن کریم می خوانیم: «وَ عَلَى ٱلْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ؛ بر اعراف مردانی هستند که هریک [از آن دو دسته] را به چهره می شناسند». (اعراف: ۴۶)

اعراف جایگـاهی اسـت میـان بهشت و دوزخ و راهی است که پـاره ای از گنـاه کـاران از آن به بهشت می رونـد. در روایـات فراوانی آمـده است که منظور از رجال در این آیه، پیامبر و خانـدان گرامی اوست که در قیامت بر آن جایگاه می ایسـتند و هر یک از شیعیان که به ایشان معرفت داشته باشد، از عذاب دوزخ می رهد و به بهشت برین راه می یابد.

در حـدیثی آمـده است: «حضـرت خدیجه علیهاالسـلام نیز همراه پیامبر و علی و فاطمه علیهاالسـلام و حسـنین علیهم السـلام در اعراف حضور دارد».(۲) بنا بر این روایت، شناخت خدیجه علیهاالسلام و دوستی با وی نیز همچون

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷.

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۵.

دوستی با اهل بیت علیهم السلام، نجات بخش گناه کاران و مایه رستگاری مؤمنان است.

فصل سوم: ویژگی های نخستین خانواده اسلامی

اشاره

فصل سوم: ویژگی های نخستین خانواده اسلامی

اولین خانواده اسلامی با پیوند مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خدیجه کبرا علیهاالسلام شکل گرفت؛ خانواده ای که شش فرزند تربیت کرد. در واقع، حضرت علی علیه السلام نیز تربیت یافته این خانواده بود که بعدها داماد پیامبر و خدیجه علیهاالسلام شد. امیرمؤمنان، علی علیه السلامدر حدیثی با اشاره به آغاز بعثت می فرماید:

وَ لَمْ یُجْمَعْ بَیتٌ واحدٌ یَومئذٍ فِی الاسلامِ غَیرُ رسولِ اللّه صلی الله علیه و آله وَ خَدیجَه علیهاالسلام و اَنَا ثالِثُهُما.(۱)

در آن زمان هیچ خانواده اسلامی شکل نگرفته بود، جز خانواده ای که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و همسرش، خدیجه علیهاالسلامپدید آمده بود و من سومین عضو آن خانواده بودم.

در ادامه به چند ویژگی این خانواده اشاره می کنیم، به امید آنکه بتوانیم گامی مفید و مؤثر در زمینه گسترش فرهنگ و اندیشه اسلامی در حیطه خانواده برداریم.

۱. ارزش محوری

۱. ارزش محوری

خدیجه علیهاالسلام خواستگاران پرنفوذی مانند عُقْبَهِ بْنِ اَبی مُعیط، ابوجهل

۱- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

و ابوسفیان را رد کرد؛ زیرا در پی ازدواج با کسی بود که او را از اخلاق و معنویت بهره مند سازد و راه پرهیزکاری و زندگی پاک را به او نشان دهد. به همین دلیل، محمد صلی الله علیه و آله را برای همسری انتخاب کرد. محمد و خدیجه علیهاالسلام از نظر ثروت، موقعیت اقتصادی و سن و سال با یکدیگر تناسب و شباهتی نداشتند. پس چه چیز آن دو را به یکدیگر نزدیک کرد و چنان الفت و محبتی میان آنها پدید آورد که سبب شد خدیجه علیهاالسلام تمام ثروتش را به پای همسرش بریزد؟

چنین عشق و ایثاری تا ریشه ای پاک و پایدار نداشته باشد، هرگز به بار نمی نشیند. بی شک، این ازدواج، رهاورد ایمان خدیجه علیهاالسلام به پرهیزگاری، پاک دامنی و امانت داری پیامبر بود و از او جز حقیقت و معنویت نمی خواست. ازاین رو، پیامبر پس از سال ها زندگی با آن بانوی بزرگوار فرمود: «خدیجه علیهاالسلام از زنان بهشتی است».(۱)

به یقین، هدف خدیجه علیهاالسلام از ازدواج با محمد امین، هدفی معنوی بود، نه مادی. شواهد زیادی نیز تأییدکننده این حقیقت است که ما به بیان نمونه هایی از آن بسنده می کنیم:

الف) زمانی که کاروان تجارتی قریش از سفر بازگشت و میسره از پاک دامنی و درست کاری محمد امین و جریان راهب مسیحی با خدیجه علیهاالسلام سخن گفت، خدیجه علیهاالسلام، میسره و همسرش را آزاد کرد. دویست درهم نیز به او داد و گفت: «از آن رو که علاقه مرا به محمد

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲.

صلی الله علیه و آله دوچنـدان کردی، تـو را آزاد می کنم.» این روایت حـاکی از شـوق و عشق معنوی خـدیجه علیهاالسـلام به پیامبر است.

ب) ورقه بن نوفـل، عموزاده خـدیجه علیهاالسـلام، از دانایـان عرب بود و اطلاعـات زیادی از کتاب های یهود و نصارا داشت. وی همیشه می گفت: «مردی از میـان قریش از طرف خـدا برای هـدایت مردم برانگیخته می شود و یکی از ثروتمنـدترین زنان قریش را به همسـری برمی گزیند». گفته اند که او گاه و بی گاه به خدیجه علیهاالسلاممی گفت: «روزی فرا می رسد که تو با شریف ترین مرد روی زمین وصلت می کنی».

ج) شبی خدیجه علیهاالسـلام در خواب دید که خورشـید در آسـمان مکه چرخید و کم کم پایین آمد و در خانه او فرود آمد. پس خـواب خـود را برای ورقه نقـل کرد. وی نیز در تعـبیر خواب او گفت: «بـا مرد بزرگی ازدواج خواهی کرد که شـهرت او جهان گیر خواهد شد».

د) روزی خـدیجه علیهاالسـلام بـا کنیزان و غلامان در خانه خود نشسـته بود. یکی از دانشـمندان یهود نیز در آن محفل بود. از قضا محمد صـلی الله علیه و آله از کنار خانه آنها گذشت و دانشـمند یهودی وی را دید. وی از خدیجه علیهاالسلام خواست از محمـد صـلی الله علیه و آله بخواهد چند دقیقه در مجلس آنان شـرکت کند. پس از آنکه رسول اللّه صـلی الله علیه و آله آمد، دانشمند یهودی از وی خواست تا نشانه های نبوت را که در بدنش بود، به او نشان دهد. پیامبر نیز پذیرفت.

خدیجه علیهاالسـلام که شاهد ماجرا بود، به مرد یهودی گفت: «اگر عموهای او از تفتیش و کنجکاوی تو آگاه شوند، واکنش بدی نشان می دهند؛ چرا که

آنـان از تـوطئه یهـود بر برادرزاده خود بیمناکنـد.» دانشـمند یهودی گفت: «مگر می شود کسـی به محمـد آسـیبی برسانـد، در صورتی که دست تقدیر او را برای اتمام نبوت و ارشاد مردم پرورش داده است؟» خدیجه علیهاالسلام پرسید: «از کجا می دانی که او به چنین مقـامی می رسـد؟» وی گفت: «من نشـانه هـای پیـامبر آخرالزمـان را در تورات خوانـده ام و از نشانه های او این است که پدر و مادرش می میرند و جدّ و عمویش از او حمایت می کنند. همچنین از قریش زنی را انتخاب می کند که سـرور قریش اسـت». آن گـاه بـه خـدیجه علیهاالسـلام اشـاره کرد و گفت: «خوشـا به حـال کسـی که افتخـار همسـری او را به دسـت آورد». (۱)

۲. حاکمیت شعور بر نفس

۲. حاکمیت شعور بر نفس

ازدواج، منـافع و آثار مادی فراوانی دارد، ولی آنچه جایگاه خانواده را ارزشـمند و اسـتوار می سازد، توجه به اهـداف انسانی و مقاصـد الهی است. پیامبر، جوانی شـجاع و برومنـد و خدیجه علیهاالسـلام زنی ثروتمند و پرنفوذ بود و همه چیز برای ازدواج و کام جویی و آسایش آنها فراهم بود. این شرایط و توانایی ها در خدمت تشکیل یک زندگی پاک و اجتماع پر از معنویت قرار گرفت و سـرانجام خانه اشـرافی خدیجه علیهاالسـلامجایگاه و پناهگاه مؤمنان و تهی دستان شد. عقل و شعور بر خواهش نفس غالب آمد و پایگاهی اسلامی برای مبارزه با فساد و کفر بنا نهاده شد.

۱- نک: فروغ ابدیت، ج ۱، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۰۴.

۳. قدرشناسی و وفاداری

۳. قدرشناسی و وفاداری

ویژگی دیگر این خانواده، وفاداری این دو نسبت به هم بود. خدیجه علیهاالسلام همواره به پیامبر عشق می ورزید و حتی در سخت ترین ایام (در جریان شعب) از ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله احساس پشیمانی نکرد.

پیامبر نیز همیشه به خدیجه علیهاالسلام وفادار بود؛ به گونه ای که پس از وفات خدیجه علیهاالسلام در سوگ او بسیار گریست. وی تا آخرین لحظه عمرش همواره به یاد خدیجه علیهاالسلام بود و همیشه از فداکاری او نسبت به خویش نزد دیگران یاد می کرد. بعد از مرگ خدیجه علیهاالسلام نیز همواره دوستان و اقوام او را گرامی می داشتند. هرگاه هدیه ای برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می آوردند، ایشان می فرمود آن را به خانه فلان زن ببرید؛ زیرا وی از دوستان خدیجه علیهاالسلام است و او را دوست می داشت.(۱) همچنین هرگاه گوسفندی را قربانی می کرد، سهمی از آن برای دوستان خدیجه علیهاالسلام کنار می گذاشت. همین امر سبب می شد که بعضی از زنان پیامبر به خدیجه علیهاالسلامحسادت ورزند.(۲)

۴. مهر و عاطفه

۴. مهر و عاطفه

این خانواده اسلامی از مهر و محبت، سرشار بود. با آغاز رسالت، زندگی امن و آرام محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلام پر آشوب شد و

۱- مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲- محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه علیهاالسلام اسطوره ایثار و مقاومت، انتشارات نبوی، سال ۷۷، چ ۱، ص ۲۰۷.

اوضـاع هر روز بر خـانه و خـانواده تنـگ تر و تنـگ تر گردیـد. بـا ایـن حـال، این مشـکلات هرگز از عشـق و عـاطفه خـدیجه علیهاالسـلام و پیامبر به هم کم نکرد و هر چه حلقه مشـکلات تنگ تر شد، پیوند و دل بستگی اعضای این خانواده به یکدیگر محکم تر گردید. چشـمه محبت در این خانه چنان جوشان بود که نه تنها اعضای خانواده، بلکه دیگران نیز از زلال آن سیراب می شدند. این محبت ها و موفقیت ها بود که همه را شـیفته این خانواده کرد و امت اسلامی در پرتو نور این خانه شکل گرفت و بالید.

زَیْدِ بنِ حـارِثَه، غلامـ خـدیجه علیهاالسـلام، جوانی پـاک و باهوش بود. ازاین رو، مورد مهر رسول گرامی اسـلام قرار گرفت. خدیجه علیهاالسلام نیز او را به پیامبر بخشید. او همواره در کنار حضرت بود و لحظه ای ایشان را رها نمی کرد. زمانی راهزنان عرب، زیـد را از مرزهای شام ربوده و برای بردگی به عربسـتان آورده بودنـد. پس از مـدتی پـدر زیـد از وضـعیت فرزند خود آگاه شد. پس به خدمت رسول خدا صـلی الله علیه و آله رسـید و از ایشان اجازه گرفت زید را به سرزمینش بازگرداند. پیامبر، زیـد را در رفتن به سـرزمین خود یا مانـدن در مکه آزاد گذاشت. با این حال، عشق عمیق و دیرین رسول خدا صـلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلامسـبب شد زید همان جا بماند. پیامبر او را آزاد کرد و زینب، دختر جُحش را که دخترعمه رسول خدا صلی الله علیه و آلهبـود، به عقـدش درآورد. سـپس او را که سـال هـاماننـد فرزنـد خـودش پرورده بـود، کنـار حجرالاـسود به پسرخواندگی

پذیرفت.(۱)

مهر و محبت خدیجه علیهاالسلام به فرزندانش چنان بود که خاطره شیرین آن، نسل ها در خاندان پیامبر بر جای ماند و همواره از عشق و ایثار او به نیکی یاد می شد. فرزندان حضرت فاطمه علیهاالسلام، مادربزرگ خویش را همواره بزرگ می داشتند و حتی گفته شده است که به قبر خدیجه علیهاالسلام نیز پناه می بردند و از روح پاک او یاری می جستند. به گفته تاریخ نگاران، حسین بن علی علیه السلام بیست و پنج بار با پای پیاده از مدینه به حج رفت و هر بار، قبر خدیجه علیهاالسلام را زیارت کرد. در یکی از این سفرها، اَنَسِ بْنِ مالِك با آن حضرت بود. اَنَس می گوید: «حسین علیه السلامبه کنار قبر خدیجه علیهاالسلامآمد و سخت گریست. سپس رو به من کرد و گفت: از پیش من برو و مرا تنها بگذار. من خود را از چشم آن حضرت پنهان کردم تا حال او را نظاره گر باشم. امام حسین علیه السلام به نماز ایستاد و بسیار نماز خواند. آن گاه دست به دعا برداشت و بر آستان خدای خویش تضرع کرد».(۲)

هیچ گاه یاد خدیجه علیهاالسلام در دل خاندان پیامبر از میان نرفت و خاطره نیکی و نیک کرداری او برای همیشه در دل و بر زبان نوادگان ایشان باقی

۱- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۰۳. گفته اند که پیامبر از مرگ فرزندان خود متأثر بود و برای تسلی خاطر خود از خدیجه علیهاالسلامخواست تا زید را بخرد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله او را آزاد کرد و به فرزندی برگزید. عده ای می گویند زید را حکیم بن حزام، برادرزاده خدیجه علیهاالسلام از بازار مکه خرید و هنگام ازدواج خدیجه علیهاالسلامبا محمد صلی الله علیه و آله، او را به عمه اش بخشید.

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۳.

مانـد. از نشـانه هـای ایـن پیونـد و دل بسـتگی آن بـود کـه بسـیاری از ائمـه علیهـم السـلام، یکی از دخـتران خـود را «خـدیجه علیهاالسـلام» می نامیدنـد تـا یـاد جـدّه خود را همواره زنـده بدارنـد. از آن جمله انـد: خـدیجه، دختر امام سـجاد علیه السـلام؛ خدیجه، دختر امام محمد باقر علیه السـلام؛ خدیجه، دختر امام موسـی کاظم علیه السلام و خدیجه، دختر امام جواد علیه السلام که برخی از آنها راویان حدیث و از زنان بزرگ و بافضیلت بودند.(۱)

۵. نفی تجمل گرایی

۵. نفی تجمل گرایی

خدیجه علیهاالسـلام پیش از ازدواج با پیامبر، خانه مجلل و باشکوهی داشت، ولی پس از ازدواج، تمام این جلال و شکوه را به پای همسرش ریخت. آن خانه مجلل که پیش از طلوع اسلام، پناه گاه مستمندان و فقیران بود، پس از اسلام پایگاه مؤمنان شد. پیـامبر صـلی الله علیه و آله و خـدیجه علیهاالسـلام بـا رفتار خود، ساده زیستی را به فرزنـدانشان آموختنـد، به گونه ای که آنان همواره از تجمل گرایی پرهیز می کردند و اگر چیزی داشتند، به فقیران و نیازمندان می بخشیدند.

امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

رسـول خـدا صـلی الله علیـه و آلـه هرگـاه می خـواست بـه مسـافرت برود، از آخریـن کسـی کـه خـداحافظی می کرد، فـاطمه علیهاالسلام بود و هنگام بازگشت [نیز]اولین کسی راکه دیدار می کرد، فاطمه علیهاالسلام بود. پیامبر در بازگشت

۱- مستدرک بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۱۸.

از یکی از مسافرت ها به خانه فاطمه علیهاالسلام وارد شد. فاطمه علیهاالسلام به استقبال پدر شتافت، در حالی که دو دست بند نقره بر دست داشت و پرده ای جدید بر در خانه آویخته بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله مدت کوتاهی در خانه فاطمه علیهاالسلام درنگ کرد. [سپس] خارج شد. فاطمه۳ از رفتار پیامبر مقصود ایشان را فهمید؛ زیرا این برخورد از سوی پیامبر تازگی داشت. ازاین رو، حسنین را فرا خواند و دست بند را به یکی و پرده را به دیگری داد تا نزد جدشان ببرند. سپس به آن دو فرمود: از من به پیامبر سلام برسانید و بگویید، دیگر از فاطمه علیهاالسلام چنین اموری را مشاهده نخواهید کرد. اینها را آن گونه که خود مصلحت می دانید در راه خدا به مصرف برسانید. پیامبر حسنین را بوسید و به سینه چسبانید و در دامان خویش نشاند. آن گاه فرمود دست بندها و پرده را به مصرف مستمندان اهل صفه(۱) برسانند. سپس فرمود: خداوند، فاطمه علیهاالسلام را رحمت کند. خداوند در مقابل این پرده، پوششی از پوشش های بهشتی و به جای این دست بندها، زینت های بهشتی به فاطمه علیهاالسلام خواهد بخشید.(۲)

امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید:

روزی پیامبر گردن بندی بر گردن فاطمه علیهاالسلام دید و با رفتار خویش، او را به پرهیز از تجمل دنیا فرا خواند. فاطمه علیهاالسلام نیز گردن بند را از خود دور کرد و به پدر داد. پیامبر فرمود: «اَنْتِ مِنّی». آن گاه گردن بند را به

۱- اهل صفه، فقیران بی سرپناهی بودند که کنار مسجد و روی یک سکو زندگی می کردند.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۳.

فقیری صدقه داد.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۴ .

فصل چهارم: برگزیده متون ادبی

اشاره

فصل چهارم: برگزیده متون ادبی

زیر فصل ها

در خلوت یاس ها

در خلوت یاس ها

با توأَم ای نور، ای منشور، ای نیلوفر آبی، با توأَم ای خدیجه!

ای مهربانی که نمی شناسمت و تنها وصف عظمت، کرامت، محبت و صفایت را شنیده ام!

ای بزرگ مادری که در دامان تو بانویی پرورش یافت که خدا زمین و زمان را به خاطر او آفرید.

کدام نام آشناتر از نام توست که در روزگار غریبی مادران و دختران و در قحط سال عاطفه، با پرورش دختری از نور و عشق و آسمان، عاطفه را تفسیری دیگر نمودی و در همراهی با نبی اکرم صلی الله علیه و آله، تمام دارایی و عشق خویش را به اسلام هدیه کردی.

بی پرده بگویم، می خواهم مانند تو باشم، ولی مگر تو را مانندی هست. تو را که وقتی به نماز می ایستادی و دست هایت را به قنوت برمی افراشتی، انگشتانت، پیشانی ماه را لمس می کرد و دورترین ستاره ها با افتخار بر سرانگشتانت بوسه می زدند.

می خواهم مثل تو باشم، تویی که با بال های سبز ایثار و صداقت، از هفت

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

-۷

-۸

شهر عشق گذشتی.

ای خدیجه!

ای قاصد بهار!

ای خوش بوتر از شمیم یاس! زبانم قاصر است، کِلکم شکسته و واژه هایم اندک... مانده ام با دستی که بر کاغذ، وصف تو را می نگارد و قلبی که سرشار از محبت توست.

سوگند به بزرگی رسالت محمد صلی الله علیه و آله، به پهلوی شکسته فاطمه علیهاالسلام و به فرق شکافته علی علیه السلام! مهمان نگاهم شو!

جرعه ای از عشقت را در کامم بریز و شفاعتم کن که من از کودکی عاشق آسمان، شیفته یاس، شیعه مرتضی و دوستدار شقایق بوده ام.

پس ای بانوی خوبی های ناب، ای خدیجه! رنگین ترین بهار را در چشم من شکوفا کن!

بانوی احسان

بانوی احسان

نخستین سجاده ای که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دامن هستی گسترده شد، سجاده تو بود. شکوفه های عبودیت و عشق بر شاخسار نماز تو شکفت و قلب اسلام با اولین نماز جماعت تو و رسول خدا صلی الله علیه و آله تپید.

چه شکفتنی و چه تپیدنی!

برای نخستین بار عشق رویید و هستی رنگ گرفت و جان های مشتاق با عطر آسمانی عشق پیوند خورد.

خدیجه! ای بانوی احسان و ای اولین بهار شریعت در فصل رویش محمدی صلی الله علیه و آله!

در عصر ناپاکی ها، تو «طاهره»(۱) بودی و پاک دامنی در تو تجلی می یافت. خدا، تو را برگزید و در خزانه خویش نگاه داشت تا محمد صلی الله علیه و آله که دُردانه آفرینش بود و «قهرمان لولاک»، تنها نباشد و زهرا علیهاالسلام در باغ وجود تو شکوفا شود.

ای پاک بانوی بهشتی!

آن روز که در تالار هستی، بزم عشق با اولین جشنواره نماز برپا شد، تو به امامت همسرت، نه، به امامت رسول خدا صلی الله علیه و آله، رسول هدایت و ولیِ امر، نماز عشق و ایثار خواندی!

هیچ کس تا آن زمان، ضیافتی سه نفره، با آن شکوه و عظمت ندیده بود. نگاه ها به محمد صلی الله علیه و آله دوخته شده بود و به شریعت نوپای اسلام که امانت این امین خدا بود و چشم ها به خدیجه علیهاالسلام خیره بود و به ایثار و احسانی که در

دستان به قنوت نشسته اش می شکفت و دیده ها نظاره گر علی علیه السلام بود که بزرگ ترین نماز عشق را در کوچک ترین سن و با کودکانه ترین سیما می خواند. چه ماندگار روزی بود روز تولد اسلام و چه باشکوه بود کنگره

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۲.

آسمانی نماز.(۱)

قرن ها از آن بهار سبز و آن واقعه دل نشین می گذرد، ولی هنوز مسلمانان جهان، به همان نماز اقتدا می کنند و دل به خدای محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلام و علی علیه السلامی سپارند. آن نماز، نخستین باران رحمت الهی در سرزمین سوزان دل ها بود و شیفتگان شریعت را بر ضیافت آسمانی نشاند.

ای مادرِ خوبی ها، ای همسر حقیقت ها و ای زیباترین واژه هستی، پس از محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام و فرزندانش!

تو ندای آسمانی پسر مریم علیه السلام را شنیدی و تسلیم بشارت وی شدی، آن گاه که فرمود:

یا بَنی إِسْرائیلَ إِنّی رَسُولُ اللّهِ إِلَیْکُمْ مُصَدِّقًا لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْراهِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ یَأْتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ. (صف: ۶)

و دل به «احمد» بستی.

علی علیه السلام که دروازه علم نبی است، تو را این گونه می ستاید: «هنوز اسلام، به خانه ای راه نیافته بود مگر خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه علیهاالسلام، و من سومین آنها بودم».(۲)

شاید حقیقی ترین و زیباترین وصف تو آن است که بر زبان رسول خدا

۱- اشاره به اولین نماز جماعتی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به همراه علی علیه السلام و خدیجه علیهاالسلام در مکه بر پا کردند.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

جاری شد: «... آن گاه که همه مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق کرد و آن گاه که همه از من دوری می کردند، او (خدیجه علیهاالسلام) مرا حمایت کرد و او زن پربرکتی بود...».(۱)

به راستی احسان و انفاق در مکتب تو درس آموختند و جاودانه شدند.

ای ثروتمندترین فقیر مکه!

تو تمامی داشته های خود را به پای نهال نوپای اسلام ریختی و در سخت ترین لحظات حتی برای یک بار اظهار پشیمانی نکردی که معامله ای بزرگ با خدای خویش کرده بودی. در میان همه تجارت های پرسود، این بهترین تجارت ها بود که خداوند فرمود:

إِنَّ اللّهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ. (توبه: ۱۱۱)

همانا خداوند خریدار جان ها و اموال مؤمنان است در برابر بهشت.

و تو کجا خریداری به عظمت خدا می یافتی و پاداشی بیشتر از بهشت دریافت می کردی؟ گوارایت باد این تجارت آسمانی و مبارکت باد این بهشت جاودانی.

ولایت، برگِ زرین دیگری است در زندگانی تو ای پاک بانوی سرای محمد صلی الله علیه و آله! سرزمین وجود تو آن گاه که حُب ولایت علی و فرزندانش بر صحیفه آفرینش واجب نبود، با محبت اهل بیت سبز شد، آن گونه که مردم مکه می گفتند: «این [علی] برادر محمد صلی الله علیه و آله و محبوب ترین افراد نزد او و نور چشم خدیجه علیهاالسلاماست و سعادت از همه طرف

۱- ابن اثیر جزری، اسدالغابه، ج ۷، ص ۴۳۸.

به او [حضرت علی] روی آورده است».(۱)

و من از بهشتی ترین زنان، پس از فاطمه علیهاالسلام سخن می گویم و از مسلمان ترین مسلمانان، پس از محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام. از بانوی کریمه ای که آموزگار عشق و احسان بود؛ کریمانه زیست؛ قهرمانانه مبارزه کرد و نیلوفرانه به آسمان ها عروج کرد. من از همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن می گویم. از خدیجه علیهاالسلام، از بانوی احسان... .

نجوا با خورشید

نجوا با خورشید

در خلوت شبانه، قلم را با سرانگشتانم لمس می کنم؛ برگی از برگ های سبز خاطراتم را ورق می زنم و دوشادوش فرشته ها به دیدار خورشید می شتابم.

آیینه ها، این روشن دلان صادق، در مسیرم سبز می شوند و احساساتم را روشن می کنند. مانده ام حیران که در کدام واژه بنشانم قهرمانی عاشقانه اش را و صداقت آیینه رنگش را. به راستی، کدام واژه توان درک پاک دلی و وفاداری خدیجه علیهاالسلام را دارد؟ کدام قلم و کدام دست می تواند حماسه های بانوی بهشت را در دل بی رنگ تاریخ ثبت کند؟

خورشید طلوع کرد از پشت صخره های سنگی زمین، در تاریکی محض دوران. نرگس ها از لابه لای سنگ های سیاه زمین سر برآوردند و شکوفه ها شکفتند. زمین از گرمای خورشید بهره گرفت؛ زیرا قهرمانی روشن دل، چون نسیم صبا، با کوله باری از عطر شکوفه های بهاری، ابرهای خشمگین را از

۱- غروی نائینی، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰.

پهنه آسمان کنار زد و زمین از لطافت خالص خورشید سیراب و سرمست شد.

در میان آن همه تاریکی جاهلیت، کدام شکوفه بود که دست نیاز به سوی خورشید دراز کرد؟ شکوفه ای که هر چه داشت، فدای خورشید و فدای آسمان ستاره باران خورشید کرد.

به راستی به جز علی، کدام یاری دهنده تمام هستی خود را فدای خورشید می کند که خدیجه علیهاالسلام جوانی و زندگی و مال و عشق و روح خود را فدای رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد؟ کدام مادر است که از گل های بهشتی غنچه ای بچیند و سیب سرخ باغ علی را به دامان خورشید هدیه کند؟ من از نگارش این همه عشق، این همه ایثار و این همه شور عاجزم و می دانم تاریخ هم از ادراک روشن دلی و پاک دلی و صداقت و ایثار خدیجه علیهاالسلام عاجز مانده است.

به راستی، نمی توانم برای وصف ستاره روشن آسمان تاریک جزیره العرب واژه ای بیافرینم؛ ستاره ای که همراه خورشید درخشید و ماه را به آسمان امامت هدیه کرد. تنها می توانم بگویم: او مادر تمام مهربانی هاست، او خدیجه علیهاالسلام است، بانوی بزرگ اسلام... .

بانوی کریمه قریش۱

بانوی کریمه قریش(۱)

خدیجه! بانوی کریمه قریش!

خوشبختی کدام جهان در سرانگشتان نقره ای ات شکل گرفته است که در پای کوبی زمان، رنج شمار سالیان حجاز رقم می خورد؟

دستان گرمت به کدام نقطه از خورشید بند می شوند که در سوگ تو، بندبند زمین می لرزد؟

با تو قصه آفتاب تمام شد و در پنج قاره جهان، کرامت زن، پرچم افراشت.

بانوی کریمه قریش! اینک در رهسپاری جاودانه ات، پروانه ها به سوگ نشسته اند و آفتاب ایستاده است، تا چشمان تهی دست قبیله، دوباره از غنای نامت لبریز شود و فردای تیره تنهایی را با لرزش پلکی از تو بلرزاند.

ای حقیقت گم شده! صدای تو اندک اندک در خاکستری حجاز، خواب بلند دختران زنده به گور عرب را در شولایی از ماندن، پیچیده است.

تو مبهوت حقیقتی شدی که سرانجامِ آن رویش آفتاب بود و چرخش ماه!

تو مبهوت حقیقتی شدی که سرانجام آن، رسیدن به سرچشمه های نور بود.

تو با روشنی و پادشاهیِ دستان بخشنده ات، تاریخ فقرزده حجاز را به پایداری حکومت محبت رساندی.

تو از روزهایی برگشتی که کوچه های تاریک عربستان، چشمان کودکان معصوم را به قعر خاک می برد؛ روزهایی که عطوفت رنگی نداشت و دل های مسموم در واگویه زنان ستم دیده می تپید.

۱- مریم سقلاطونی.

ای فریادِ رَسا و ای فریادرس! شب به احترام تو در سیاهی چشمانت به صبح می پیوندد و صبح به احترام قامت بلندت، نماز سربلندی می خواند.

در چشمان تو خواب چهارده ستاره تعبیر شده است و در گستره فریادت، زمزمه نیلگون دریا ته نشین.

بوی چهارده ستاره می دهی که با لحن آسمانی پیامبران درآمیخته است. فریادی که از تو برخاست، حنجره زمان را درهم کوبید و زمینیان را به ستایش آفتاب خواند.

کرامت چهارده خورشید۱

کرامت چهارده خورشید(۱)

خدیجه! ای بانوی ایثارهای بزرگ!

تو خدا را چگونه دیدی که با ارزانی روزهای دنیایی ات، پادشاهی چهارده ستاره را در گستره ابدیت، استوار کردی؟

ثمره دین محمدی ـ هرچه باشد ـ نیمی از آن توست؛ از آن دستان بخشنده ای که آفتاب را به ستایش وا می دارد.

ای که با آهسته ترین تماس سرانگشت وصلت، حتی آرام ترین نگاه، ترک برمی دارد!

اینک در نیلی سپیده دمانی که هجرانت را به تصویر کشیده است، جهان سوگوار لحظه هایی از توست که در فراز چشم ایستاده ای، در همراهی پیامبری از آفتاب و در هم دلی روزهای تاریک زده حجاز.

۱- مریم سقلاطونی.

کیست که مانند تو با آفتاب، همراه شود و با زندگی در کوچه های تاریک زده، فرشتگان را به خانه بیاورد؟

کیست که مانند تو از قبیله بِبُرد و حجم سنگینی از تاریخ را بر دوش بگذارد؟

کیست که مانند تو، دستانش به نوازش دختران زنده به گور برخیزد و در روزگار بی نصیبی از نور، به سرچشمه ازلی روشنی بپیوندد؟

در کدام تاریخ، کدام قبیله و کدام دنیا، زنی شبیه تو بر فراز بلندترین قله معنویت، این گونه ایستاده است که در روشنی دستانش، کرامت چهارده خورشید، جاری است؟

بانوی درخشنده حجاز! آن روز که تو قدم به راه روشن آفتاب گذاشتی و تمام خویش را ارزانی زمین نمودی، جاودانه شدی. جاودانه در تاریخ، در عشق و در هستی.

اولین جماعت خوان خانه محمد صلی الله علیه و آله۱

اولین جماعت خوان خانه محمد صلی الله علیه و آله(۱)

... و مردی از «حرا» سرازیر می شود. سنگینی وحی توان از کَفَش ربوده است و نور نبوت از جبینش هویداست؛ سرآسیمه به خانه خدیجه علیهاالسلام وارد می شود. خدیجه علیهاالسلام هراسان و متعجب:

ـ یا محمد صلی الله علیه و آله! این چه نور است در تو می بینم؟

ـ همسرم! نور نبوت است... بگو: «لااله الاّالله، محمّد رسول الله!»

۱- تقی متقی.

خدیجه علیهاالسلام این کلام آسمانی را با تمام ذرات وجودش تکرار می کند و سپس با شور و هیجان ادامه می دهد: «سال ها منتظر چنین روزی بوده ام».

... و اکنون پیامبر بر پیکر بی جان همسری فداکار و یاوری وفادار می گرید و خوبی هایش را یک به یک در خیالش به تصویر می کشد. آزار و شکنجه قریش را به یاد می آورد و دلداری های خدیجه علیهاالسلام را. سختی توان فرسای سال های محاصره در شعب ابی طالب را و پای مردی های بنی هاشم و خدیجه علیهاالسلام را. اولین نمازی را که به جماعت در کنار خانه خدا با خدیجه علیهاالسلام و علی علیه السلام به پای داشت. ثروت هنگفتی که در راه پیشبرد آرمان های اسلام نثار شد و... .

دیگر سیل اشک امانش نمی دهد. هق هق گریه های جان سوزش در سوگ خدیجه بزرگ علیهاالسلام در فضا طنین می افکند و این سخن را چون نگینی گران بها در حلقه کرامت انسانی می نشاند که: «خدیجه از زنان بافضیلت بهشت است».

بستر خالی مادر۱

بستر خالی مادر(۱)

تاجر بود و متاع بازارش، صداقت و تمام شهرها به راستی گفتارش، آفرین گوی. تاجر بود و ایمان را به ناکجاآباد دل ها می برد و تقوا را با قیمتی مناسب، سر سفره های مردم می گذاشت.

۱- جواد محمد زمانی.

آن روزها که رسول گل ها، مبعوث شده بود، تمامی خویش را به دست های پیامبرانه اش نهاد؛ دست هایی که می خواست عطر قرآن را به خانه های مردم ببرد. او نخستین زنی بود که به رسالت آفتاب ایمان آورد. هر روز به مسجد می آمد و پشت سر پیامبر، نماز می گزارد.

چهل شب او را تنها نهاد و در کوه نور به مناجات برخاست تا خدایش کوثری عطا کند؛ پیامبر را می گویم. در واپسین شب به خانه آمد و خدیجه علیهاالسلام کم کم نسیم حضور فاطمه علیهاالسلام را حس کرد.

دخترش در رحم، با او سخن می گفت و مادرش را آرام می کرد. خدیجه علیهاالسلام با چشمانی پر از اشک، به نیایش های کوثر محمد صلی الله علیه و آله گوش فرا می داد؛ همان گونه که دخترش به نجوای حسین در رحم خویش گوش فرا می داد. دیگر خدیجه علیهاالسلامتنها نبود. خدیجه علیهاالسلام حلاوت وحی را می چشید و شادمان از اینکه پیامبرش را نمی توانند «ابتر» بخوانند.

خیلی زود، گرمی وجود فاطمه علیهاالسلام را در دستان خود حس کرد. گل های خنده، هر آن، بر لب های او می شکفت و عطر صلوات، گهواره را پر کرده بود. زمین و آسمان برای آیه «إِنّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ» جشن گرفته بودند!

و اینک آماده سفر شده است و پیامبر سپاس گزار روزهایی که به هواداری اش تا پای مرگ، ایستاده بود. نباید از سفر، پیش فاطمه علیهاالسلام سخن گفت؛ ولی چه خواهد کرد دختر با بستر خالی مادر؟

به فاطمه بگویید صبور باشد؛ نزدیک است روزهایی که زینب علیهاالسلام

در کنار بستر خالی مادر بنشیند!

دریای سخاوت۱

دریای سخاوت(۱)

وقتی که ابر باران زای وحی، با آن همه کرامت دریایی، خسته و رنجور از سختی دل های سرد و سنگی به خانه برمی گشت، تنها کوه صبر شانه های تو بود که تکیه گاه گریه های تنهایی او می شد.

وقتی که آسمان آبی عدالت غرق در تنهایی و تهی دستی خود، گوشه ای نشسته بود، تنها دریای سخاوت تو بود که دست های خالی او را سرشار از سکه های زرین عشق و محبت می کرد.

وقتی که تنها حاصل آفتاب توحید از تابیدن بر کوچه های شهر بُت ها، خاکستری بود که بر چهره اش می نشست، تنها نسیم عاطفه تو بود که گرد از سیمای سوخته اش برمی گرفت.

اکنون آن روزهای روشن گذشته اند و محمد، آخرین سفیر آسمان در زمین، تنها و بی سرپناه، زیر تیغ آفتاب بی حیای شعب ابی طالب، هجران تو را به گریه نشسته است.

تک درخت تناور خانه محمد پس از دیری که قامتش تکیه گاه و سایه اش سرپناه آخرین باغبان باغ خدا بود، در تب سه ساله توفان غارتگر شکست و فروافتاد.

امروز باغبان خسته در این برهوت بی هم زبانی، دل به غنچه ای بسته است

۱- امید مهدی نژاد.

که تنها یادگار آن سرو شکسته است. از امروز این فاطمه علیهاالسلام است که باید مادر پدرش باشد.

چشم هایت را به فاطمه علیهاالسلام ببخش!۱

چشم هایت را به فاطمه علیهاالسلام ببخش!(۱)

چشم های پر از تغزلت را به فاطمه علیهاالسـلام ببخش؛ عطر بهارنارنج چادر نمازت را برای سـجاده نشین کوچک خانه ات به ارث بگذار و از فیروزه نگاهت، دامان دخترت را دریایی کن!

بگذار زهرای تو برای پیامبری که در شهر خاکستر و تهمت، فقط در چهاردیواری خانه دل تو آرام می گرفت، خاطرات کوچه باغی را داشته باشد که از دیوارهایش، یاس های مهربانی سرازیر شده اند.

می بینی که حوریان سـیه چشم بهشتی، دامان اهورایی شان را در زیر پای تو پهن کرده انـد و تمام راهت، از ناسوت تا لاهوت را آراسته اند.

تو هنوز دلت در تب و تاب انـدوه مردی است که مردمان زمانه اش، پیام رسالت او را هذیان شب های بی خوابی اش در دامنه کوه های افسونگری، می خوانند و مهتاب چشم های سیاهش را که راه های آسمان را چراغان می کند، سنگ جفا می زنند.

و تو می اندیشـی به شب هایی که دیگر برای نوازش چهره خاکسترنشـین پیامبر بال شکسته ات که از پرواز در آسمان مه آلود خفاشان ظلمت نشین باز می گردد، دستی به مهربانی تو نیست!

۱- نزهت بادی.

تو خوب می دانی که کوچ نابهنگام تو در فصل خزان زده تنهایی رسول خـدا صـلی الله علیه و آله، یک بال پرواز او را خواهد شکست، همان گونه که فوت ابوطالب علیه السلام، یک بالش را شکست؛ آن هم در هنگامه ای که هنوز زخم های شعب ابی طالب بر شاخه نورسـیده اسـلام، مرهمی نیافته است، جز خون دست های تاول زده رسول خـدا صـلی الله علیه و آله که در این سه سال، بار رنج همه را بر دوش کشید.

هیـچ کس به انـدازه تو، همسایه دیوار به دیوار دل رسول خدا صـلی الله علیه و آلهنبوده است و مظلومیت و تنهایی او را ندیده است؛ جز علی مرتضی علیه السلامکه جان پیامبر است.

می دانم که برایت سـخت است گل وجود پیامبرت را در میان سـنگ دلان تنها بگذاری و سـیر «إِنّا لِلّهِ»ات را به «إِلَیْهِ راجِعُونَ» پایان بخشی!

بـا این حـال، دل قوی دار به ذوالفقـار نگـاه علی علیه السـلام که در طواف کعبه وجود پیامبر می چرخـد و دختری که شب ها چشم به راه پدر می ماند تا با شـهد شـیرین کلامش، عطوفت و وفاداری تو را به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله بیاورد و جای خالی حمایت هایت را پر کند.

پرده نشین گوشه های حجاز۱

پرده نشین گوشه های حجاز(۱)

سلام بر تو بانوی چشمه های روان، مادر مهربان شریعت، همسایه دیوار به دیوار آسمان، خدیجه علیهاالسلام بزرگ!

۱- حسین هدایتی.

سلام بر تو که دست هایت، نوازشگر نافله های شبانه رسول بود و آغوش دریایی ات، گهواره ملکوتی بتول.

سلام بر تو، ستون محکم اسلام، تکیه گاه اسلام، تکیه گاه هیجان های پیامبرانه! دل های جهان، سال هاست در تکاپوی لحن آفتابی توست.

ربّ النوع رنج! الهه اندوه و عشق! تیماردار دندان های شکسته و قدم های دربند! شب های وحشتناک خاک از خورشید پیشانی ات نور می گرفت.

مَحرم چندین ساله حرا! خارهای دامنه «نور» خوب می شناسندت؛ با تکاپوی شبانه ات، همه سنگ ها و صخره ها آشنایند.

بی تکیه گاهی چون تو، شانه های وحی، روزگار سختی داشت. پس از تو، روزگار رسالت، به تاریکی شب های شعب ابی طالب است. آه! پرده نشین گوشه های حجاز!

رسالت، جامه اش را بر سر کشیده است. بر دست های زلالت لب خواهد گذاشت تا عطش هزار ساله سرزمین مقدس را بشوراند.

رسالت، جامه اش را بر سر کشیده است. چشم جبرئیل، بر حلقه درگاه بزرگت خیره مانده است: «برخیز! ای جامه بر سرکشیده!» این نجوای خداوند است که بر در و دیوارت می کوبد. سکوت، ادامه سرگذشت شبانگاه توست. ای زن! رنج هایت آغاز شده است. تو هم برخیز! پیامبروار، شانه به شانه باش با محمد صلی الله علیه و آله.

سلام بر تو که دریاهای جهان، نشئه نوش جرعه های شفاف سخاوت تواَند. سلام بر تو، بانوی کبرا! مرا ببخش و این کلمات کوچک را.

مادر مهربان شریعت! خدیجه علیهاالسلام بزرگ! همسایه دیوار به دیوار

آسمان!

خداحافظ خدیجه علیهاالسلام!۱

خداحافظ خدیجه علیهاالسلام!(۱)

دروازه های شفق گشوده شده است و شب در ارکان خاک دویده است. شب سر بر خاک گذاشته است و های های می بارد.

خداحافظ خدیجه علیهاالسلام، بانوی صبر، بانوی بی قرار!

گرمی نفست را چه نزدیک حس می کنم! تنهایی بی تو، مرا پریشان کرده است؛ خداحافظ!

دست های آشنایت، این پناه گاه روزهای تنهایی ام را بر کدام شاخه به جوانه دادن واداشته ای؟ خداحافظ بانو!

از عمیق ترین لایه های تنم تنهایی تو را حس می کنم.

گذشته ای چون عابری که بزرگی ات به حیرت وا داشته است جهان را.

پشت این پرده های آویخته سیاه، آسمان برای تو رنگ دیگری دارد.

آسمان سراسر نور، منتظر توست با دست های گشوده.

آخرین لبخندهایت را از من نگیر.

خداحافظ خدیجه علیهاالسلام ! رنج روزها و شوریدگی شب هایم را چه مهربان پذیرا شدی! نگاهت آرامش روزهایم بود. آه از این غروب تلخ که هرچه پشت سرم را می کاوم، تنها نشانه هایی از توست و روبه رویم تنهایی و اندوه از دست دادنت!

۱- حمیده رضایی.

خداحافظ بانو! پاداش طاعات بی وقفه ات را خواهی دید؛ آن گاه که در هنگامه هراس، هیاهوی روزهایم را به آرامش تبدیل کردی.

خداحافظ! بال گرفته ای در خنکای نَفَس کروبیان. راه تا بی نهایت و مقصود به تو نزدیک.

تمام ستاره های دنیا بر تاقچه نگاهت می درخشند.

خداحافظ!

دست هایت را به سفر بارگاه نور فرستاده ای. از پشت تمام پنجره ها می بینمت. تو در آن سوی آسمان، در هوای معطر رسیدن، بال گشوده ای؛ سفر به خیر!

پیام های تسلیت به مناسبت وفات حضرت خدیجه علیهاالسلام

پیام های تسلیت به مناسبت وفات حضرت خدیجه علیهاالسلام

وفات مادر امت، نگاه بان مرزهای فضیلت و عفت، یاور خورشید فروزان آسمان رسالت، بانوی برگزیده و هدیه خدا، همسر باوفای مصطفی، سنگردار حماسه های خاتم انبیا، افتخار زنان گیتی، هم یار عصاره هستی، حضرت خدیجه علیهاالسلام بر مسلمانان عالم تسلیت باد.

وفات بزرگ بانوی اسلام، نخستین چکامه خوان ایمان، حامی آیین پاک محمدی، اقیانوس مواج فداکاری، سرآمد زنان گیتی، یار و همراه مصطفی، همسر سرور انبیا، عطر سوسن و یاس و اقاقیا، جلوه جمال خدا، حضرت خدیجه کبرا علیهاالسلام، بر پیروان عفاف و حجاب تسلیت باد.

غروب غم انگیز ستاره سازندگی، اسوه بالندگی، گوهر تابناک ایثار، همسر نمونه خورشید، یادواره تلاش های هماره جاوید، سپیده روشن تاریخ، مادر

صفا و وفا، هم راز حبیب خدا، چشمه سار مهر و بخشش و عطا، زیور جبین هستی، گنج سرشار معانی، حضرت خدیجه علیهاالسلام بر پیروان رسالت تسلیت باد!

کتاب نامه

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.

۲. ابن هشام، عبدالملک، سیره النبی صلی الله علیه و آله، مصر، مکتبه محمد، ۱۳۸۳ ه . ق.

۳. بلاغی، صدر، دروس تاریخ اسلامی، قم، دارالتبلیغ الاسلامی، ۱۳۸۸ ه . ق.

۴. بنت الشاطی، س، زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله، تهران، مجله «ماه نو»، ۱۳۴۷.

۵. پاسدار اسلام، شماره ۴۷ و ۶۲ ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۶. جوده السحار، عبدالحمید، دوران جوانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۷. دخیل، علی محمدعلی، اعلام النساء، بی جا، دارالمرتضی، ۱۳۷۵.

۸. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۷۱.

۹. سبحانی جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۱۰. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۱.

۱۱. سیره ابن اسحاق، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص امیرالمؤمنین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۴.

۱۳. صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

۱۴. علی دخیل، علی محمد، حضرت خدیجه علیهاالسلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.

۱۵. غروی نائینی، محدثات شیعه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۱۶. فاطمه زهرا علیهاالسلام شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه الزهرا بهجه المصطفی، دفتر تحقیقات و انتشارات.

۱۷. کمالی نیا، محمد تقی، خدیجه کبری علیهاالسلام، قم، امید، بی تا.

۱۸. کمالی نیا، محمد تقی، شکوه زندگی، باختران، امید، بی تا.

۱۹. گروهی از نویسندگان، اعتصام، شماره سه، سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۰. ماهنامه کوثر، شماره یک، آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام.

۲۱. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۴.

۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ه . ق.

۲۳. مظلومی، رجبعلی، فضیلت زنان، تهران، بنیاد شهید انقلاب

اسلامی، ۱۳۶۵.

۲۴. معروف الحسنی، هاشم، امیران ایمان یا زندگی نامه خدیجه علیهاالسلام، تهران، مؤسسه اهل بیت، بنیاد بعثت، ۱۳۶۰.

۲۵. معروف الحسنی، هاشم، زندگی نامه خدیجه کبری علیهاالسلام و فاطمه علیهاالسلام، تهران، مؤسسه اهل بیت، بنیاد بعثت، ۱۳۶۰.

۲۶. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسایل، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۳۶۷.

۲۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران، شرکت انتشارات علمی ـ فرهنگی،۱۳۷۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹